

رساله پولس رسول به افسیان

مقدمه

پولس رسول، رساله حاضر را در حدود ۶۰-۶۱ میلادی، زمانی که در روم زندانی بود نوشته است. در مدت حبس، پولس همچنین رسالات فیلیپیان، کولسیان و فلیمون را نیز به رشته تحریر در آورد.

در قرن اول میلادی، شهر افسس از اهمیت خاصی برخوردار بود و مهم‌ترین شهر آسیای صغیر (کشور ترکیه کنونی) محسوب می‌شد. در زمان سلطه لشکر روم، شهر افسس به مرکز ایالت آسیا (یکی از ایالت‌های امپراطوری روم باستان، شامل ترکیه و سوریه) مبدل گردیده بود. از سوی دیگر، افسس در مسیر جاده ابریشم واقع بود و به دلیل موقعیت سیاسی و جغرافیایی، به یکی از مراکز مهم تجاری آن منطقه در آمده بود (اعمال ۱۸:۱۹ را مشاهده کنید).

پولس رسول در طی سالهای ۵۳ الی ۵۵ میلادی در شهر افسس زندگی کرده بود. در این ایام او هرروزه در یکی از مراکز علمی آن شهر به موعظه می‌پرداخت و بسیاری برای شنیدن حرفهای او می‌آمدند. در نتیجه این امر، بسیاری به مسیح ایمان آوردند و پس از مدت کوتاهی، کلیسایی در آن منطقه تأسیس گردید. افراد بسیاری که به جهت تجارت و خرید و فروش به افسس آمده بودند نیز کلام خدا را از پولس شنیدند و ایمان آوردند و مژده نجات و انجیل را با خود به شهرهای خویش بردند و به این ترتیب خبر مسیح در سراسر آن منطقه پخش گردید (اعمال ۱۹:۸-۱۰).

بسیاری از مفسران کتاب مقدس بر این عقیده‌اند که رساله حاضر فقط به کلیسای افسس نوشته نشده است. آنها معتقدند که این رساله در کلیساهای مختلفی که در نتیجه دو سال فعالیت پولس در منطقه افسس تأسیس شده بود، قرائت می‌شده است. اغلب آثار پولس رسول به صورت نامه‌های شخصی به کلیسای محلی و برای توضیح مسئله خاصی نوشته شده است. ولی این رساله با نامه‌های دیگر پولس تفاوت دارد. در این رساله، او به شرح موارد عام و کلی پرداخته و از تأکید بر مسائل جزئی پرهیز کرده است

و حتی هیچ اشاره‌ای به افراد خاص و اعضای کلیسای افسس ندارد.^۱ به همین دلیل، بسیاری از مفسرین کلام بر این اعتقاد می‌باشند که این رساله به صورت خبرنامه و یا نامه زنجیره‌ای به منظور دادن آگاهی به کلیساهای مختلفی در منطقه افسس نوشته شده است.

جهت اطلاع بیشتر در باره زندگی پولس به مقدمه رساله به رومیان مراجعه نمایید.

رئوس مطالب

- الف- موقعیت یک ایماندار در مسیح (۱:۱ - ۲۱:۳)
- ۱- برکات روحانی در مسیح (۱:۱-۱۴)
 - ۲- دعای شفاعت (۱:۱۵-۲۳)
 - ۳- نجات توسط فیض و از طریق ایمان (۱:۲-۱۰)
 - ۴- آشتی و صلح میان یهودیان و غیریهودیان توسط عیسی مسیح (۱:۲-۱۱:۲)
 - ۵- مکاشفه خدا و کشف راز خلقت (۱:۳-۱۳)
 - ۶- دعای دوم پولس (۳:۱۴-۲۱)
- ب- رفتار شایسته یک ایماندار (۱:۴ - ۲۴:۶)
- ۱- اتحاد در کلیسا (۱:۴-۱۶)
 - ۲- زندگی تغییر یافته (۴:۱۷-۳۲)
 - ۳- زندگی فرزندان نور (۵:۱-۲۱)
 - ۴- ازدواج مسیحی (۵:۲۲-۳۳)
 - ۵- والدین مسیحی (۶:۱-۴)
 - ۶- روابط شغلی میان مسیحیان (۶:۵-۹)
 - ۷- مبارزه مسیحی (۶:۱۰-۲۴)

۱- اکثر نسخه‌های خطی قدیمی کتاب مقدس، فاقد کلمه «افسس» در آیه ۱ می‌باشند. به احتمال زیاد، این رساله علاوه بر کلیسای افسس، جهت مطالعه و تدریس در کلیساهای دیگر نیز نوشته شده است.

باب ۱ برکات روحانی در مسیح (۱:۱-۱۴)

۱ پولس، این رساله را به عنوان **رسول عیسی مسیح** می‌نویسد. او از اقتدار روحانی مربوط به رسول مسیح بهره‌مند می‌باشد. پولس، حکم رسالت خود را نه از انسان بلکه مستقیماً از سوی خدا دریافت کرده بود. در حین مطالعه این رساله، باید به خاطر داشته باشیم که این رساله کلام خدا می‌باشد و خدا به طور مستقیم و از کلمات این رساله با ما سخن می‌گوید.^۲

مخاطبین پولس رسول در این نامه، **مقدسین** در افسس یعنی تمام **ایمانداران در مسیح عیسی** می‌باشند. در عهد جدید، ایمانداران معمولاً با لقب «مقدسین» خطاب گردیده‌اند. شخص «مقدس»، کسی است که گناهانش توسط عیسی مسیح بخشیده شده و به توسط خون مسیح پاک گردیده است (رومیان ۷:۱؛ فیلیپیان ۱:۱).

به یاد بیاوریم که این نامه فقط به کلیسای افسس نوشته نشده؛ بلکه به کلیساهای ما نیز نوشته شده است و در نتیجه امروز نیز همچنان از اهمیت برخوردار است. پس بیایید در حین خواندن آن، گوش خود را به صدای خدا باز کنیم و به کلام او گوش فرا دهیم.

۲ پولس دعا می‌کند که خوانندگانش فیض و سلامتی خدا را تجربه کنند.

فیض، عبارت است از محبت و رحمت خدا، که او آزادانه به ما انسانها داده است. انسانها لیاقت دریافت فیض خدا را ندارند. ما قدرت و توان کسب فیض خدا را نداریم. هیچ کار نیکو و هیچ عمل خیرخواهانه ما قدرت راضی ساختن خدا را ندارد. خدای مهربان، به خاطر محبت و رحمت خودش است که آزادانه و به طور داوطلبانه، فیض خود را شامل ما انسانها می‌کند.

به خاطر فیض خداست که ما از سوی او **سلامتی** (صلح و آشتی با او و انسانهای دیگر) را دریافت می‌کنیم. در تمامی این نامه، دو موضوع «سلامتی» و «فیض» را مشاهده خواهیم نمود. تا جایی که به عقیده بسیاری، این رساله را می‌توان با عنوان «مژده سلامتی به وسیله فیض» نام نهاد.

۳ خدا ما را به **هر برکت روحانی مبارک ساخت**. پولس رسول نمی‌گوید: «خدا ما را برکت خواهد داد» بلکه **مسیح ما را مبارک ساخت**. خدا ما را در **مسیح مبارک** ساخته است. ما هر برکت روحانی را از سوی مسیح دریافت می‌کنیم.

این برکات روحانی فقط زمانی شامل حال ما می‌شود که ما در مسیح باشیم. یعنی اگر در مسیح نباشیم و مسیح در ما زندگی نکند، از آن برکات روحانی بی‌نصیب خواهیم ماند. مانند «در مسیح» به این معنی است که شخص، به عیسی مسیح ایمان بیاورد و او را به عنوان خداوند و نجات دهنده خویش قبول کند. در آن صورت، او در سایه حکم و اقتدار و فرمان مسیح زندگی خواهد نمود.

هر چند که خدا این برکات را در مسیح شامل حال ما گردانیده است، ولی ما باید به نوبه خود آن برکات را از سوی خداوند قبول کنیم. به بیانی دیگر، ما باید آن برکات را به وسیله ایمان از سوی خدا بگیریم و برای خودمان قبول کنیم. اگر از عطای روحانی ایمان استفاده نکنیم، برکتی نصیبمان نخواهد شد.

این برکات روحانی کدامند؟ اولین برکت روحانی این است که خدا ما را برگزیده (آیه ۴)؛ و ما را به فرزندی خود قبول کرده است (آیه ۵). دومین برکت روحانی این است که خدای مهربان، ما را با فیض خود مستفیض گردانده

۲- این اصل در تمام قسمتهای کتاب مقدس، صادق می‌باشد. تمام کتاب مقدس، کلام خداست و هر بخش کتاب مقدس از زبان خدا سخن می‌گوید.

می‌باشیم. به جای آنکه به خود مغرور شویم و به دینداری و پرهیزکاری خودمان افتخار کنیم، باید با فروتنی و تواضع از خدای بزرگ و مهربان سپاسگزاری کنیم.

بعضی از مسیحیان معتقدند که این آیه به این مطلب اشاره می‌کند که خدا برخی را برگزیده که فرزندان او بشوند ولی عده دیگری را انتخاب نکرده است. برای ما انسانها، درک این مطلب که چرا خدا بعضی را برگزیده و برخی را انتخاب نکرده است، غیرممکن است. پولس رسول در رساله اول تیموتائوس می‌نویسد: **نجات دهنده ما خدا می‌خواهد که جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرايند** (اول تیموتائوس ۲: ۳-۴). خدا می‌خواهد که همه مردم نجات پیدا کنند. ولی متأسفانه، همه مردم نجات پیدا نخواهند کرد. نکته مهمی که باید به یاد داشت این است که هرگاه کسی به عیسی مسیح ایمان داشته باشد، از سوی او انتخاب گردیده است (رومیان ۹: ۱۴-۲۱ و تفسیر آن و نیز مقاله عمومی «نجات - جبر یا اختیار؟» را مشاهده کنید).

اینک سؤالی مطرح می‌شود: هدف خدا از انتخاب ما چه بوده است؟ او ما را برگزیده است تا در حضور او در محبت مقدس و بی‌عیب باشیم. هرگز گمان نکنیم که چون خدا ما را انتخاب کرده است، دیگر لزومی ندارد که در پی داشتن تقدس و زندگی پاک تلاش کنیم. این طرز تفکر صحیح نیست. زندگی یک فرزند خدا باید از هر گونه گناه و ناپاکی خالی باشد. خدا شما را خوانده است تا در هر سیرت، مقدس باشید، زیرا مکتوب است: **مقدس باشید زیرا که من قدوسم** (اول پطرس ۱: ۱۵-۱۶).

خدا ما را برگزیده است تا فرزندخوانده او شویم.^۳ همه ایمانداران، پسران و دختران

است (آیه ۶) و به این ترتیب ما فدیة یعنی آمرزش گناهان (آیه ۷) را دریافت نموده‌ایم. برکت سوم این است که خدا اسرار روحانی را به ما آشکار ساخته است (آیه ۹). چهارم اینکه، ما کلام راستی (آیه ۱۳) را شنیده‌ایم. و بالاخره پنجمین برکت روحانی این است که روح القدس را به عنوان بیعانه میراث خود دریافت کرده‌ایم (آیه ۱۴). اینها برکات روحانی در جایهای آسمانی در مسیح می‌باشد که پدر آسمانی ما آزادانه و داوطلبانه به ما عطا فرموده است.

۴ خدا ما را پیش از بنیاد عالم برگزید. کمی درباره این کلمات تفکر کنید! پیش از آنکه آسمان و زمین و عالم هستی، به وجود آیند، زمانی که فقط خدا وجود داشت؛ در آن زمان، او بر حسب خشنودی اراده خود (آیه ۵)، نقشه نجات بشر را طرح کرد. بخشی از آن نقشه این بود که ما را که به عیسی مسیح ایمان می‌آوریم، به عنوان فرزندان خود انتخاب کند. بر اساس آیه ۵، خدا ما را از پیش برگزیده است تا فرزندان او گردیم. این حقیقتی بسیار عظیم و مهم می‌باشد. در ابتدای زمان، پیش از آنکه خدا جهان را خلق کند، ما را انتخاب نموده است. بعضی اوقات ما انسانها گمان می‌بریم که این ما بودیم که خدا را انتخاب کرده‌ایم ولی این واقعیت ندارد! این خدا بود که ما را انتخاب کرد. و فقط به خاطر این عمل انتخاب او هست که ما قدرت داریم که در مقابل، او را انتخاب کنیم. به خاطر اینکه او ما را انتخاب نموده است، ما هیچ دلیلی برای مغرور شدن و یا فخر کردن نخواهیم داشت. ما هیچ کار شایسته‌ای جهت انتخاب شدن خود انجام نداده‌ایم، خدا ما را پیش از آنکه متولد شویم برگزیده بود! ما فرزندخواندگی را به خاطر لیاقت و استعدادهای ذاتی خود کسب نکرده‌ایم، بلکه این هدیه فیض خدا بر حسب خشنودی اراده او بوده است (آیه ۵). پس با توجه به آنچه که گفته شد، نتیجه می‌گیریم که پیش از هر چیز، ما به خدا و محبت عظیم او مدیون و بدهکار

۳- وقتی شخصی کودکی را به فرزندخواندگی قبول می‌کند، آن کودک از تمامی حقوق و مزایای فرزند

روحانی خدا می‌باشند.

از یک جهت، ما نه تنها فرزندخواندگی بلکه بخشش گناهان، نجات، میراث روحانی و اجازه وارد شدن به ملکوت آسمان و بسیاری برکات روحانی دیگر را دریافت کرده‌ایم. ولی از سوی دیگر، به عنوان فرزندان خدا، مسئولیت خطیری بر عهده ما گذاشته شده است. ما مسئولیم که **مقدس و بی‌عیب زندگی کنیم (آیه ۴).**

ما به توسط **عیسی مسیح**، هدیه فرزندخواندگی را از سوی خدای پدر دریافت کرده‌ایم. زیرا تنها پس از ایمان آوردن به عیسی مسیح و پذیرفتن او به عنوان خداوند و نجات دهنده خویش است که به عنوان فرزندخوانده خدا وارد خانواده او خواهیم شد (یوحنا ۱:۱۲؛ غلاطیان ۳:۲۶؛ ۵:۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

هرگاه پولس هدیه عظیم خداوند را به خاطر می‌آورد، قلبش لبریز از شادی گردیده، زبانش به حمد و ستایش قادر مطلق گشوده می‌گردد. به راستی دلیل خدا از بخشیدن این همه هدایا و نعمت‌ها چه بوده است؟ **برای ستایش جلال فیض خود که ما را به آن مستفیض گردانید در آن حبیب**. خدا به طور داوطلبانه و آزادانه، ما را مشمول فیض و محبت خود نموده و ما را به فرزندخواندگی خود پذیرفته است، تا جلال فیض او در **آن حبیب** یعنی عیسی مسیح، مورد ستایش قرار گیرد.

دلیل اصلی خدا برای فرستادن پسرش به این جهان این بود که **در وی به سبب خون او فدیة یعنی آموزش گناهان را ممکن و میسر گرداند**^۴. عیسی مسیح به این جهان خاکی آمد تا بشریت را نجات دهد. زیرا بدون فدیة و بخشش گناهان، نمی‌توانیم فرزندان خدا گردیم. خدای پدر، با فدیة کردن ما کاری به مراتب عظیم‌تر از خلقت این عالم انجام داده است. زیرا برای خلقت این جهان، کلمه‌ای از دهان خدا کافی بود. خدا گفت و شد! ولی به جهت فدیة بشریت،

لازم بود که پسر یگانه خدا، عیسی مسیح به جهان خاکی بیاید و برای پرداخت بهای سنگین گناهان ما فدا گردد. لازم بود که خدای پدر، عیسی مسیح را قربانی کند تا اینک با قیمت خون عیسی مسیح، ما نجات پیدا کنیم.

پولس می‌گوید فدیة و بخشایش گناهان را **در آن حبیب** یعنی در عیسی مسیح، دریافت نموده‌ایم (آیات ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ را مشاهده کنید). نکته اصلی تعالیم پولس این حقیقت روحانی است که مرکز ثقل زندگی و اعمال و وجود ما باید «در عیسی مسیح» بودن و قرار داشتن در عیسی مسیح باشد. زیرا تمامی قدرت و محبت و رحمت و فدیة و بخشایش در عیسی مسیح قرار دارد. به وسیله خون او، ما فدیة شده‌ایم. او بر صلیب جان سپرد و خون خویش را برای پرداخت بهای گناهان ما ریخت تا جرم و گناه ما را بر دوش خود بردارد و به این ترتیب ما را از مجازات گناهانمان آزاد گرداند. او قربانی گناهان ما شد (مرقس ۱۰:۴۵؛ رومیان ۳:۲۳-۲۵؛ اول پطرس ۱:۱۸-۱۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

یکی از جنبه‌های فدیة شدن، این است که به خاطر کار عظیم عیسی مسیح **آموزش گناهان را**

طبیعی آن شخص برخوردار می‌شود. از نقطه نظر روحانی نیز، زمانی که خدا ما را به فرزند خود می‌پذیرد، ما نیز از کلیه حقوق و مزایای یک فرزند خدا برخوردار می‌گردیم. ما فرزندان پادشاه گل هستی عضوی از خانواده او می‌شویم. جهت مطالعه بیشتر در این مورد به «فرزندخواندگی» در فهرست لغات مراجعه کنید.

۴- در عهدجدید، کلمه «فدیة» به معنای آزاد ساختن یک برده و یا نجات دادن یک مجرم از مجازات و حکم دادگاه به وسیله پرداخت کردن جریمه و یا تقبل مجازات آن مجرم است. این یکی از جنبه‌های نجات ما می‌باشد. جهت مطالعه بیشتر در این مورد به «فدیة» در فهرست لغات مراجعه کنید.

یافته‌ایم. بار دیگر این حقیقت مهم را مشاهده می‌کنیم که به خاطر فیض خدا بود که فدیه و آمرزش گناهان را دریافت کرده‌ایم و این صرفاً به خاطر محبت و رحمانیت خدا است و هیچ ربطی به کارهای نیک و خوب و شایسته ما ندارد.

۸ خدا با گشاده‌دستی و لطف بی‌حد، فیض خود را به **فراوانی عطا فرمود**. او فیض و رحمت را بر سر ما بارانیده است. باشد که هرگز از **ستایش جلال فیض** او (آیه ۶)، باز نیستیم.

۹-۱۰ از طریق مکاشفه عیسی مسیح، خدا **سر اراده خود را به ما شناسانید**. اراده خدا این است که **همه چیز را خواه آنچه در آسمانها و خواه آنچه بر زمین است، در مسیح جمع کند** (آیه ۱۰). یعنی اینکه مقصود خدا این است که تمام جهان خلقت، مسیح را پادشاه و خداوند خود بخوانند (فیلیپیان ۲: ۹-۱۱؛ کولسیان ۱: ۱۵-۲۰ را مشاهده کنید).

اراده خدا چه موقع به وقوع خواهد پیوست؟ آن زمان که زمانها به کمال رسد و **انتظام کمال زمانها** انجام شده باشد. آن زمانی را خدا از پیش مقرر فرموده است و فقط اوست که از آن وقت باخبر می‌باشد.

پولس چه دید باز و پهناوری دارد! در نظر پولس، نقشه خدا از پیش از خلقت عالم تا **انتظام کمال زمانها** گسترش یافته است. هرچه در آسمان و زمین است در این بینش و نقشه الهی وجود دارد. زمانی که پولس این کلمات را می‌نوشت، خود در زندان بود و چشمانش چیزی فراتر از دیوارهای زندان را نمی‌دید! ولی به قدرت روح‌القدس، او قادر بود پهناوری حکمت خدا و گستردگی نقشه او را ببیند.

امکان دارد ما نیز در شرایط سخت و تنگناها قرار بگیریم. ولی بایستی چشمان روحانی خود را به سوی نقشه و بینش خدا باز کنیم تا اینکه وسعت اراده خدا و قدرت بی‌همتای او را که از محدودیت‌های ما بسیار فراتر است مشاهده کنیم.

سپس این است: خدا پسر یگانه خود را به این جهان فرستاد تا ما فدیه و آمرزش گناهان را از او دریافت کنیم. او عیسی را داد تا ما گناهکاران ضعیف را در برکات عظیم و پُر جلال خود سهیم گرداند.

۱۱-۱۲ پولس در این دو آیه، پیرامون یهودیان سخن می‌گوید.^۵ پولس که خود یک یهودی بود، در آیه ۱۱ می‌گوید: **که ما (یهودیان) در وی (عیسی مسیح) میراث اوشده‌ایم، چنانکه پیش معین گشتیم بر حسب قصد او**. سپس او در آیه ۱۲ خاطر نشان می‌کند که یهودیان به چه خاطر انتخاب شده بودند: **تا از ماکه اول امیدوار به مسیح می‌بودیم، جلال او ستوده شود**. از قرن‌ها پیش از ظهور مسیح، یهودیان منتظر آمدن منجی خود بودند. انبیای اسرائیل از چگونگی آمدن نجات‌دهنده و مسیح موعود، نبوتها کرده بودند. از این جهت است که پولس رسول در آیه ۱۲ درباره یهودیان می‌گوید: **از ماکه اول امیدوار به مسیح می‌بودیم**.

۱۳ اینک پولس افسسیان غیریهودی را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: «خدا برای شما نیز هدف و نقشه‌ای دارد. او شما را هم در مسیح قرار داده است». افسسیان نیز فرصت نجات یافتن و دریافت بخشایش گناهان را دارند. نجات تنها منحصر به قوم و ملت خاصی نیست. پولس به افسسیان می‌گوید که آنها نیز

۵- یهودیان قومی بودند که از هزاران سال پیش، در خاورمیانه زندگی می‌کردند. ایشان از ابتدا خدای حقیقی را می‌پرستیدند. خدا قوم بنی‌اسرائیل را به عنوان قوم خاص خود برگزید تا از طریق آنها نقشه نجات را برای تمامی ملتها عملی سازد. عیسی مسیح، خود یهودی و از قوم بنی‌اسرائیل بود. به منظور کسب اطلاع بیشتر در بخش فهرست لغات: «یهود» را مشاهده کنید.

۶- یهودیان از پیش معین شده بودند که قوم خاص خدا و «میراث» او باشند.

دید. از این جهت است که روح القدس **بیعانه میراث** ما را به ما داده است. با دادن این بیعانه، خداوند میراث کامل ما را تضمین کرده است. با دریافت روح القدس که بیعانه ما می‌باشد، مطمئن خواهیم بود که در آینده تمامی میراث به ما داده خواهد شد (رومیان ۸: ۱۶-۱۷؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۲ را مشاهده کنید).

پولس در باره میراث آسمانی ما سخن می‌گوید و به ما یادآور می‌شود که آن میراث آسمانی و این هدایا و برکاتی را که الان داریم، به یک دلیل به ما داده شده است: **تا جلال او** (خدای پدر در عیسی مسیح) **ستوده شود**. توجه داشته باشیم که پولس رسول این عبارت «ستایش جلال خدا» را سه مرتبه تکرار کرده است (آیات ۶، ۱۲، ۱۴). همچنین می‌بینیم که پولس رسول عبارت «اراده» را سه مرتبه در آیات ۵، ۹، ۱۱ تکرار کرده است. پولس می‌خواهد که بر این حقیقت تأکید کند که خدا همه کارها را بر حسب خشنودی اراده خود و به خاطر ستایش جلال خویش انجام می‌دهد. در اینجا متوجه می‌شویم که هدف و منظور خدا

نجات یافته‌اند. چگونه؟ به وسیله شنیدن **خبر انجیل نجات و ایمان** آوردن به آن بشارت. **در وی شما نیز چون کلام راستی، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید، در وی چون ایمان آوردید**.

دلیل نجات یافتگی افسسیان چه بود؟ اینکه ایشان از **روح قدوس وعده مختوم** شده بودند. آنها به وسیله **روح القدس** «مهر» شده بودند. عیسی مسیح به ما وعده روح القدس را داده است (یوحنا ۱۴: ۲۶). از این جهت است که پولس رسول می‌گوید که افسسیان از روح قدوس وعده مختوم شده‌اند.

معنی «مختوم» شدن به روح القدس چه می‌باشد؟ در آن زمان، پادشاهان صاحب مهر و خاتم بودند و در پایان نامه‌های خود، آن مهر را می‌زدند. با قرار دادن علامت و مهر خود بر آن نوشته و یا نامه، خواننده را مطمئن می‌کردند که آن نوشته حقیقتاً به توسط پادشاه نوشته شده است و جعلی نیست. به همین ترتیب، زمانی که ما به روح القدس مختوم شده باشیم، خواهیم دانست که به عیسی مسیح تعلق داریم و زیر پوشش پادشاهی مسیح هستیم.

توجه به این نکته مهم ضروری می‌باشد که به جهت داشتن نشان و مهر عیسی مسیح بر خود، توجه به دو مطلب اساسی لازم است. اول اینکه ما باید انجیل را بشنویم، دوم اینکه ما باید به عیسی مسیح ایمان بیاوریم.

۱۴ روح القدس، هم روح خدا است و هم روح مسیح. می‌توان گفت که روح القدس یکی از شخصیت‌های خدا می‌باشد.^۷ خدا به توسط روح القدس، وارد قلب و زندگی ما می‌شود. به وسیله روح القدس ما گوشه‌ای از بهشت را مشاهده می‌کنیم. روح القدس **بیعانه میراث** ما را به ما داده است. ولی این بیعانه بخش کوچکی از برکاتی است که خدا برای ما در نظر گرفته است. باید بدانیم که ما در این عالم، برکات سماوی را به طور کامل دریافت نخواهیم نمود. ما در این جهان حاضر، میراث کامل سماوی را نخواهیم

۷- به جای شخصیت، می‌توان از شخص استفاده کرد. در خدا سه شخص یا شخصیت متمایز از هم وجود دارند که در اتحاد و یگانگی کامل با یکدیگر به سر می‌برند این تمایز به حدی است که می‌توان شخصیت و کارهای پدر و پسر و روح القدس را جدا از یکدیگر تشخیص داد. تمایز به حدی است که می‌توان سه شخص کاملاً مجزا را در خدا دید. ولی در عین حال، در خدا و در رابطه سه شخصیت خدا، آن چنان یگانگی و اتحادی وجود دارد که کارها و شخصیت پدر و پسر و روح القدس، تمایزناپذیر می‌گردد. از این جهت است که ما مسیحیان به «توحید در تثلیث» معتقد می‌باشیم. این مطلب، بزرگترین راز و سر وجود خداوند است و ما انسانها، هرگز به گنه آن دست نخواهیم یافت. جهت مطالعه بیشتر مقاله عمومی: «روح القدس» را مشاهده کنید.

آزادی از گناه می‌باشد؛ امید به فرزندى خدا؛ امید به ماندن در عیسی مسیح و دریافت میراث جاودانى ما. خدا از ما دعوت کرده است تا این امید را دریافت نماییم.

این **جلال میراث** که خدا وعده آن را به ما داده است چیست؟ ما بیعانه آن میراث پر جلال، یعنی روح القدس را دریافت داشته‌ایم (آیه ۱۴). ما باقی مانده میراث پر جلال مان را در بهشت دریافت خواهیم نمود. مهم‌ترین بخش آن میراث، خود خداست. ما خواهیم توانست که تا به ابد نزد خدا زندگی کنیم و از مصاحبت کامل عیسی مسیح مملو گردیم. به علاوه، ما به شباهت عیسی مسیح در خواهیم آمد (اول یوحنا ۲:۳) و با مسیح سلطنت خواهیم نمود (دوم تیموتائوس ۱:۲).

۱۹ خدا ما را دعوت نمود و با این دعوت الهی، زندگی مسیحی ما آغاز شد. در پایان زندگی خود، عیسی مسیح، میراث پر جلال ما را به ما خواهد بخشید. و در این فاصله، خداوند ما را با کمک **عظمت بی‌نهایت قوت او نسبت به ما مؤمنین بر حسب عمل توانایی قوت او** محافظت می‌نماید. قوت خدا بی‌حد و نهایت است. و این قوت بی‌نهایت عظیم اوست که ما را در زندگی مسیحی مان توانایی خواهد بخشید.

۲۰-۲۱ خدا چه قدرت بزرگ و عظیمی

۸- انسان دنیوی کسی است که این جهان و موقعیتهای آن را بیش از خدا دوست دارد و به این دنیا بیش از خدا اعتماد می‌کند.

۹- منظور پولس رسول از کلمه «روح» در این آیه مشخص نیست. آیا منظور او کشف و حکمتی است که روح القدس می‌بخشد یا اینکه منظور او حکمت و قدرت تشخیص انسانی ما می‌باشد؟ ولی از آنجا که این روح القدس است که به ما حکمت می‌آموزد و مسائل روحانی را برای ما کشف می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که مقصود پولس رسول از کلمه «روح» نهایتاً روح القدس می‌باشد.

برای زندگی ما چیست. ما بر حسب خشنودی اراده خدا برگزیده شده‌ایم که به او ایمان آوریم تا اینکه به وسیله ما جلال او ستوده گردد.

انسانهای دنیوی^۸ می‌گویند: «من بر حسب اراده و میل خودم زندگی خواهم کرد. و تمامی تلاش خود را در جهت نفع خود و جلال دادن خود صرف می‌کنم.» ولی ایماندار می‌گوید: «من بر اساس نقشه‌های خدا زندگی خواهم کرد و برای جلال او زیست خواهم نمود». چقدر بین این دو تفاوت هست!

دعا و شکرگزاری «(۱۵:۱-۲۳)»

۵-۱۶ هر چند که پولس این نامه را دو هزار سال پیش و برای افسسیان نوشته است، ولی این رساله برای ما نیز حاوی پیامی مهم است. در اینجا، دعای پولس فقط برای افسسیان نیست بلکه برای ما نیز هست.

اگر پولس امروز زنده بود آیا او خبر **ایمان و محبت ما** نسبت به مقدسین را می‌شنید؟ آیا او دلیلی برای شکرگزاری می‌داشت؟

۱۷ پولس رسول در دعای خود برای افسسیان (و برای ما) از خدا چه طلب می‌کند؟ او دعا می‌کند که **روح حکمت و کشف** به ایمانداران عطا شود.^۹ ما انسانها برای شناخت خدا نیاز مبرمی به حکمت داریم. و حکمت روحانی و مکاشفه همیشه از سوی خدا بدست می‌آید و نه از طرف دنیا و انسان.

پولس از خدا می‌خواهد که به خاطر این حکمت و معرفت روحانی، ایمانداران افسس سه نکته مهم را درک نمایند: اول اینکه بدانند که **امید دعوت** ایشان چه می‌باشد (آیه ۱۸)؛ دوم اینکه **دولت جلال میراث** خدا را درک نمایند (آیه ۱۸)؛ سوم اینکه به **عظمت بی‌نهایت قوت او نسبت به ما مؤمنین** (آیه ۱۹) پی ببرند.

۱۸ آن **امید دعوت** او چیست؟ ما برای چه امیدی دعوت شده‌ایم؟ پولس شرح داده است که امیدی که ما برای آن دعوت شده‌ایم، امید

عیسی مسیح سر کلیسا است و کلیسا بدن عیسی مسیح می‌باشد (آیه ۲۳). اگر کلیسا بدن مسیح است، طبیعتاً ما ایمانداران اعضای آن بدن محسوب می‌شویم (رومیان ۱۲: ۴-۵؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۲، ۲۷: ۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

کلیسا، پُری عیسی مسیح است. همانگونه که یک حکومت، پُری یک حاکم است، به همان ترتیب کلیسا نیز محل حکومت مسیح و پُری او می‌باشد. مسیح همه را در همه پُری می‌سازد (آیه ۲۳). **و از پُری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض** (یوحنا ۱: ۱۶). این امر نباید باعث تعجب ما گردد، زیرا که عیسی مسیح، خدا و پادشاه کُل عالم است (یوحنا ۱۰: ۳۰؛ کولسیان ۱: ۱۵-۲۰؛ و مقاله عمومی: «عیسی مسیح» را مشاهده کنید).

باب ۲ یافتن حیات شدن در مسیح (۱:۲-۱۰)

۱ در اینجا، پولس به افسسیان یادآور می‌شود که آنها در گذشته **در خطایا و گناهان مُرده** بودند. آنها به چه صورت مُرده بودند؟ جواب این است که آنها (و ما) از لحاظ روحانی مُرده و از خدا دور افتاده بودند (افسیان ۴: ۱۸ را مشاهده کنید). گناهان ما، منشأ جدایی ما از خداست. زیرا غیرممکن است که انسان گناهکار با خدا زیست نماید. و جدایی از خدا، چیزی به غیر از موت روحانی نمی‌باشد.

۲ پولس به افسسیان می‌گوید که پیش از آنکه ایشان به عیسی مسیح ایمان بیاورند، در شرارت و گناه به سر می‌بردند. آنها در طریق این جهان راه می‌رفتند و بر اساس راهها و امیال خود رفتار می‌کردند و در پی کسب منفعت ارضای غرایز و هوسهای خود بودند (افسیان ۱: ۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). انسان دنیوی برای رضای خود تلاش می‌کند ولی خدا

دارد! به وسیله قدرت خدا بود که عیسی مسیح از مُردگان قیام کرد. با این قدرت است که عیسی مسیح در آسمان بالاتر از هر ریاست و قدرت و قوت و سلطنت و هر نامی که خوانده می‌شود پادشاهی می‌کند (آیه ۲۱). او مافوق شیطان است. عیسی مسیح مافوق قدرتهای شیطانی و شریر سلطنت می‌کند. او بر مرگ و شرارت پیروز است. او بر هر چیز، چه در آسمان و چه بر زمین، چه گذشته و چه آینده حکومت می‌کند. او امروز پادشاه است و تا به ابد نیز سلطان و خداوند عالم باقی خواهد ماند.

آیا ممکن است که کسی به قوت و نیروی انسانی خویش، مُرده را زنده کند؟ نه. ولی خدا قادر است این عمل را انجام دهد. برای خدا هیچ کاری محال نیست (مرقس ۱۰: ۲۷). و همان قدرتی که عیسی مسیح را از مُردگان برخیزانید، ما را در زندگی روحانی مان کمک خواهد کرد. به وسیله همان قوت بود که خدا ما را که در گناهان خود مُرده بودیم (افسیان ۲: ۱)، زنده ساخت (افسیان ۲: ۴-۵) و با او در جاهای آسمانی نشاند (افسیان ۲: ۶). و این قوت خدا به وسیله روح القدس، هر روزه در اختیار ما قرار دارد و ما را در امر اطاعت از خدا یاری می‌دهد. پس بیایید هر روز از خدا بخواهیم که به ما یاری داده ما را قوت عطا کند.

۲۲-۲۳ خدای پدر **همه چیز را زیر پایهای او** (مسیح) **نهاد** یعنی اینکه او را بر همه چیز تسلط بخشید (آیه ۲۲). زمانی که ما خود را تحت فشار گناه حس می‌کنیم و از شدت ضعف و شک احساس درماندگی می‌کنیم، خوبست به یاد داشته باشیم که همه این چیزها زیر پایهای او نهاده شده است. و اگر مسیح بر همه چیز تسلط دارد، او به ما کمک خواهد کرد و آن مسائل را زیر پایهای ما نیز قرار خواهد داد!

پولس در ادامه می‌گوید: **مسیح سر همه چیز** است. او **سر کلیسا** می‌باشد. پولس رسول بار دیگر در افسسیان ۵: ۲۳، یادآور می‌گردد که

می‌خواهد که ما برای جلال و رضای او زیست نماییم. بنابراین، اگر در راههای این جهان راه می‌رویم، در واقع با خدا دشمنی می‌ورزیم.

در اینجا پولس در باره شیطان سخن می‌گوید و او را **رئیس قدرت هوا** معرفی می‌کند. عیسی او را **رئیس این جهان** نامید (یوحنا ۳۱:۱۲). دلیل این نام‌گذاری این است که شیطان بر قلب و زندگی افرادی که در راههای این جهان رفتار می‌کنند، سلطنت می‌نماید.

۳ ما مسیحیان نیز، پیش از ایمان به مسیح در گناهان و خطایای خود مُرده بودیم. ما **طبعاً فرزندان غضب بودیم** و سزاوار تنبیه خدا. باید دانست که **غضب** خدا، با عصبانیت بشر فرق می‌کند. اینطور نیست که یک روز خدا از گناه عصبانی باشد و فردای آن روز عصبانیت خود را فراموش کند! خدا، کاملاً مقدس است؛ او نمی‌تواند گناه را تحمل نماید. بنابراین، خدا مصمم است که گناه را از میان بردارد و اساس عصبان را متلاشی نماید.

از این می‌توان نتیجه گرفت که به خاطر وضعیت طبیعی و جسمانی انسانها^{۱۰}، ما نمی‌خواهیم مسیح را بپذیریم و می‌خواهیم که در گناه باقی بمانیم. تمامی دوستان و آشنایان و افراد فامیلیمان که مسیح را نپذیرفته‌اند در گناه و عصبان به سر می‌برند و طبیعتاً از لحاظ روحانی مُرده‌اند و از خدا دور افتاده‌اند و سزاوار غضب خدا می‌باشند. بلی، ممکن است که ایشان زنده و سالم به نظر برسند ولی از نظر روحانی مُرده می‌باشند. آنها از حیات جاودانی در بهشت سهمی نخواهند بُرد. با اینهمه، تنها کافی است که ایشان **کلام راستی، یعنی بشارت نجات خود را** بشنوند و به عیسی مسیح ایمان بیاورند (افسیان ۱:۱۳). و ما که به مسیح ایمان آورده و نجات یافته‌ایم باید با تمام توان و سعی خود، آنها را به سوی ایمان به عیسی مسیح رهنمون گردیم.

اینک سؤالی مطرح می‌شود که «آیا پیروان

ادیان دیگر، در شرارت و گناه به سر می‌برند؟» آیا بشر کاملاً، بد و شریر است؟ جواب این پرسش منفی می‌باشد. همه افراد بشر به شباهت خدا آفریده شده‌اند (پیدایش ۱:۲۷). بسیاری از پیروان ادیان دیگر سعی می‌کنند که خدا را خشنود بسازند. ولی نکته مهم در این است که بدون ایمان به عیسی مسیح و بدون دریافت کردن عدالت و پاکی او، محال است که بتوانیم خدا را خشنود بسازیم (یوحنا ۳:۱۸، ۳۶؛ ۱۴:۶؛ اعمال ۴:۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۴-۵ دیدیم که چگونه شرارت و گناه، طبیعت انسان را نابود می‌سازد (رومیان ۳:۱۰-۱۲). دیدیم که انسان جسمانی، چقدر در گناه غرق است و «مُرده» است. هیچ دارویی او را بهبودی نمی‌بخشد و هیچ طبیب حاذقی قدرت درمان او را ندارد! فقط یک پزشک قدرت درمان بیماری گناه را دارد و او عیسی مسیح است. او از دارویی به نام «محبت» استفاده می‌کند. به خاطر محبت عظیم خود، فیض بی‌کرانش را به ما گناهکاران ارزانی می‌دارد. این سه (محبت، فیض و رحمت) همیشه دست در دست یکدیگر دارند و به خاطر وجود محبت و فیض و رحمت خداست که ما نجات پیدا کرده‌ایم. چه ژرف و پهناور است تفاوت میان خدای قادر مطلق و بتهای ساخت دست بشر! می‌بینید که خدا چقدر ما را محبت نموده است؟ او پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بیاورد نجات یابد (یوحنا ۳:۱۶).

۶ خدا، نه تنها ما را از نظر روحانی زنده کرده است؛ بلکه ما را با مسیح در جایهای آسمانی به تخت سلطنت نیز نشانده است

۱۰- انسان‌ها «طبیعتاً» در پی ارضا و اقیان امیال و غرایز خود می‌باشند. انسان طبعاً در پی این است که هوسهای خود را به انجام برساند. همه افراد بشر به طور طبیعی و مادرزاد گناهکار می‌باشند (رومیان ۳:۱۰-۱۲).

دینی پاک خواهد شد. ولی این باورها صحیح نمی‌باشند. زیرا که درون ما با توسل به اعمال ظاهری پاک نخواهد گردید. مهم نیست که چه قدر کارهای خوب انجام می‌دهیم، تا زمانی که درون ما پاک نگردیده است، نزد خدا مقبول واقع نخواهیم شد و تا زمانی که باطن ما ناپاک است، رضایت خدا را به دست نخواهیم آورد (غلاطیان ۲: ۱۵-۱۶؛ و تفسیر آن را و همچنین در مقالهٔ عمومی: «طریق نجات» را مشاهده کنید).

۹ پولس بار دیگر همان مطلب را تکرار می‌کند که ما با تکیه بر اعمال خودمان، قادر به دریافت نجات نمی‌باشیم. هیچ کس نمی‌تواند اظهار کند که: «من با انجام این کار خوب و آن عمل نیکو، رضایت خدا را به دست آورده‌ام و به بهشت وارد خواهم شد». فقط به وسیلهٔ ایمان به عیسی مسیح و پذیرفتن هدیهٔ نجات اوست که قادر خواهیم بود رضایت خدا را به دست آورده وارد ملکوت آسمان گردیم. او با قربانی شدن در راه گناهانمان ما را فدیة نمود. او به عوض ما جان سپرد و به این ترتیب بهای تقصیرات ما را پرداخت. اینک اگر به او ایمان بیاوریم او گناهان ما را خواهد بخشید و ما را نجات داده نزد خدا عادل و پاک خواهد نمود (رومیان ۳: ۲۲-۲۴، ۸: ۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید). فقط پس از آنکه به وسیلهٔ عیسی پاک گشتیم، خدا ما را به عنوان فرزند خود می‌پذیرد. پس چگونه می‌توان پاک شده، نزد خدا حاضر شویم؟ به وسیلهٔ ایمان آوردن به مسیح.

۱۰ در آیهٔ ۷ دیدیم که اولین هدف خدا از نجات ما، این بود که نسلهای آینده، جلال فیض او را مشاهده نمایند. در این آیه، یک منظور دیگر خداوند از نجات دادن ما انسانها را مشاهده می‌کنیم. هدف دوم خدا از نجات دادن ما تشویق نمودن ما به انجام کارهای نیکو می‌باشد. توجه نمایید که ما کارهای نیکو را برای نجات یافتن انجام نمی‌دهیم، بلکه برای

(مکاشفه ۳: ۲۱ را مشاهده کنید). پولس آنقدر از انجام این مطلب مطمئن است که این کار را امری انجام شده تلقی می‌کند و به همین جهت از فعل ماضی استفاده می‌نماید. می‌گوید: خدا ما را در جایهای آسمانی در مسیح عیسی نشانید» (رومیان ۸: ۳۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۷ چرا خدا ما را بلند می‌کند و در مسیح می‌نشانند؟ جواب این است: **تادر عالمهای آینده دولت بی‌نهایت فیض خود را به لطفی که بر ما در مسیح عیسی دارد ظاهر سازد.** او این کار را به خاطر این می‌کند که دیگران و آیندگان بدانند که او چه محبت عظیمی دارد و به این وسیله آنها نیز نجات پیدا کنند.

۸ اینک به یکی از مهمترین قسمت‌های کتاب مقدس می‌رسیم. در این آیه دو کلمهٔ بسیار مهم به چشم می‌خورد: **فیض و ایمان.** فیض همان هدیهٔ نجات خداست که به طور مجانی به توسط عیسی مسیح در اختیار ما قرار داده شده است و ما می‌توانیم آن هدیه را به وسیلهٔ **ایمان** به دست آوریم. ایمان آوردن به این معنی نیست که ما عمل ایمان را انجام می‌دهیم، بلکه به این معنی است که با ایمان دریافت می‌کنیم. ایمان خود، هدیهٔ خداوند است و به توسط شنیدن کلام خدا ایجاد می‌گردد (رومیان ۱۰: ۱۷). ما نمی‌توانیم که ایمان را به دست بیاوریم. بنابراین، از این آیه مشخص می‌شود که «نجات» هدیهٔ خدا است و ما کاری نکرده‌ایم و نمی‌توانیم کاری کنیم که خود را مستحق دریافت هدیهٔ نجات نماییم.

از این امر متوجهٔ یک نکتهٔ دیگر نیز می‌شویم و آن فرق اساسی مسیحیت با ادیان دیگر است. ادیان و مذاهب دیگر تعلیم می‌دهند: «اگر از شریعت و احکام دینی پیروی کنید، رضایت خدا را به دست خواهید آورد. فقط کافی است که کارهای خوب بکنید و نجات خواهید یافت.» آنها می‌گویند که ذات گناه‌آلود بشر با پیروی از نکات شریعت و انجام کارهای

این نجات یافته‌ایم که کارهای نیکو انجام دهیم. ما به خاطر اعمال خوبمان نجات نیافته‌ایم، ولی چون نجات یافته‌ایم کارهای خوب انجام می‌دهیم.

۱۳ ولی عیسی مسیح، با اینکه خود یک یهودی بود، برای نجات همه انسانها (چه یهودی و چه غیریهودی) به جهان آمد. به وسیله **خون مسیح**، یعنی به خاطر قربانی شدن او بر روی صلیب، همه به خدا **نزدیک** شده‌اند و به خانواده خدا وارد گردیده‌اند. پس اکنون، با ایمان به عیسی مسیح، یهودیان و هم غیریهودیان در خانواده خدا متحد گردیده‌اند (غلاطیان ۳:۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۴ مسیح **سلامتی ما است**. مسیح، از یک سو میان بشر و خدا، و از سوی دیگر میان افراد مختلف (یهودیان و امتهای صلح و سلامتی ایجاد نموده است. او با خون و صلیب **دیوار جدایی را که در میان بود منهدم ساخت**^{۱۱}. عیسی

پولس رسول می‌گوید که خدا این کارهای نیکو را از **قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم**. باشد که هرگز اینگونه فکر نکنیم: «من به وسیله فیض نجات یافته‌ام و دیگر لازم نیست که کارهای خوب و شایسته انجام دهم». درست است که نجات به وسیله فیض به دست می‌آید ولی پس از نجات یافتن، باید ثمرات آن نجات را به خدا عرضه نماییم. به خاطر فیض خداست که حیات تازه دریافت خواهیم کرد و سپس باید مانند انسانی جدید، زندگی تازه‌ای را شروع نماییم (دوم قرنتیان ۵:۱۷؛ افسسیان ۴:۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

اتحاد در مسیح (۲:۱۱-۲۲)

۱۱- در اطراف معبد یهودیان در اورشلیم، دیواری وجود داشت که مانع از ورود غیریهودیان به ساختمان معبد می‌گردید. در این آیه پولس به دیوار جدایی اشاره می‌کند که به احتمال زیاد منظورش همان دیوار جدا کننده در اطراف معبد می‌باشد. این دیوار نشانه و علامت «دور» بودن امتهای گردیده بود (آیه ۱۳) و به خاطر وجود آن دیوار، امتهای نمی‌توانستند به خدا نزدیک شوند.

پولس اعلام می‌کند که مسیح آن دیوار جدایی را منهدم ساخت. یعنی اینکه، مسیح با خون خود، آن مرز و دیوار جدایی میان یهود و امتهای را از میان برداشته است. هدف اولیه از ساختن آن دیوار این بود که امتهای ناپاک و بت‌پرستان را از ورود به معبد منع کند. زیرا که در غیر آن صورت، امتهای بت‌پرست به معبد خدا وارد می‌شدند و معبد خدا را به بت‌خانه تبدیل می‌کردند. ولی اکنون عیسی مسیح با قیمت خون خود، امتهای پاک ساخته است و هر کسی که به او ایمان آورد، خواهد توانست که به حضور خدا بیاید. پس دیگر، لزومی به ساختن و یا نگاه داشتن آن دیوار جدایی نمی‌باشد. به

۱۱ در کتاب مقدس، هرگاه از کلمه **امتها** ذکر به میان می‌آید، منظور ملل غیریهودی می‌باشد. در زمان پولس رسول، فقط یهودیان **ختنه** می‌شدند و از این جهت آنها **امتها را نامختون** می‌خواندند. بر طبق حکم خدا، یهودیان در روز هشتم اطفال ذکور خود را ختنه می‌کردند (پیدایش ۱۷:۹-۱۴). ختنه، علامت ظاهری یهودیت است، و از این جهت بود که یهودیان خود را **اهل ختنه** می‌نامیدند.

۱۲ در این آیه، پولس وضعیت سابق افسسیان را به ایشان یادآوری می‌کند. اولاً، آنها **از مسیح جدا** بودند. ثانیاً، ایشان نسبت به قوم خدا، **اجنبی محسوب** می‌شدند. ثالثاً، ایشان سهمی در **عهدهای وعده** نداشتند. خدا با آنها عهد بسته بود و ایشان را قوم خود خوانده بود. ولی از همه مهمتر، خدا به اسرائیل وعده داده بود که منجی یا مسیح موعود را برای نجات آنها خواهد فرستاد. به خاطر این سه دلیل، یهودیان خود را برتر از افسسیان می‌دانستند و ایشان را

متخاصم (یهودیان و امتهای)، انسانی جدید یعنی کلیسا و جماعت ایمانداران را ساخت. همه کسانی که به مسیح ایمان داشته باشند، خواه یهودی و یا غیریهودی، خواه از طبقه بالا و یا از طبقه پایین جامعه، چه مرد و چه زن، همه در او انسانهایی نو و انسانی جدید می‌باشند (غلاطیان ۲۸:۳ را مشاهده کنید). همه ایمانداران اعضای **یک جسد** (آیه ۱۶) می‌باشند و سر آن بدن عیسی مسیح است (اول قرنتیان ۱۲:۱۳، ۲۷؛ افسیان ۲۳:۵ را مشاهده کنید).

۱۶ عیسی مسیح نه تنها میان یهودیان و غیریهودیان مصالحه و سلامتی به وجود آورد، بلکه او ما انسانها را با خدا نیز آشتی داده است (رومیان ۱:۱۸-۲۰؛ ۵:۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید). عیسی مسیح با مرگ خود بر روی صلیب، ایمانداران را به خانواده خدا (یعنی کلیسا) وارد نموده است. خدا همه فرزندان خود را به طور یکسان محبت می‌کند. نزد خدا طرفداری نیست و او مایل نیست که دیوارهای جدایی و عداوت بار دیگر بنا گردد.

پس بنابراین، بیایید مواظب باشیم که بار دیگر دیوارهای جدایی و عداوت را در کلیسا بنا نکنیم! و اگر دیدیم که فاصله و دیواری ایجاد شده است، سعی کنیم با قدرت خون مسیح آنها را نابود کنیم. اگر مراقب نباشیم، این دیوارهای جدایی آفرین، به سرعت در کلیسا بنا خواهد شد و میان تحصیل کرده و بی‌سواد، ثروتمند و فقیر، مرد و زن، پیر و جوان جدایی خواهد انداخت.

۱۷-۱۸ اینک آنهایی که نزدیک بودند (یهودیان) و آنانی که دور بودند (غیریهودیان)،

خاطر مرگ عیسی مسیح، امتهایی که در ابتدا دور بودند، به خدا نزدیک گردیده‌اند.

۱۲- باید توجه داشت که عیسی مسیح، قوانین اخلاقی را از میان برداشته است. جهت مطالعه بیشتر متی ۵:۱۷-۲۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

مسیح، با خون خود، دیوار جدایی میان یهود و امتهای، طبقه اشرافی و طبقه پائین اجتماع، ثروتمندان و فقرا، دیوار جدایی میان نژادهای مختلف، و ملل متفاوت را از میان برداشت. در این آیه، پولس اعلام می‌کند که عیسی مسیح، دیوار جدایی میان یهودیان و امتهای را در هم شکسته است. چرا این مسئله مهم بود؟ چون هنوز برخی از یهودیان حتی پس از ایمان به مسیح، برادران مسیحی خود را که غیریهودی بودند نجس و ناپاک می‌شمردند.

۱۵ یهودیان از **احکام و فرایض** متعددی که در **شریعت** ایشان وجود داشت، پیروی می‌کردند. یهودیان معتقد بودند که با پیروی از شریعت، می‌توانند نجات یابند. شریعت یهود شامل دو قسمت بود، اول «قوانین اخلاقی» که عمدتاً ده فرمان (خروج ۱۰:۲۰-۱۷)، را در بر می‌گرفت؛ دوم قوانینی که شامل مراسم دینی بود. قوانین و مراسم مذهبی، از آداب نجاست و طهارت، حلال و حرام، چگونگی تقدیم قربانی و آداب و مناسک پرستش و غیره صحبت می‌کرد. بر اساس قوانین مذهبی یهود، غیریهودیان «نجس» و «ناپاک» به شمار می‌آمدند و به همین دلیل اجازه نداشتند به صحن معبد اورشلیم داخل شوند. به همین دلیل **شریعت احکام... که در فرایض بود خود منشأ عداوت و جدایی بود.**

مسیح آن دیوار جدایی یعنی **شریعت احکام**^{۱۲} را به **جسم خود نابود ساخت**. مسیح به ما آموخت که بشر به وسیله شریعت نجات نمی‌یابد، بلکه فقط به وسیله رحمت خدا از طریق ایمان نجات پیدا می‌کند (غلاطیان ۲:۱۵-۱۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید). پس با نابود ساختن قوانین مذهبی و شریعت احکام، دیوار جدایی میان یهودیان و امتهای را از میان برداشت. عیسی مسیح با خون خود، **از هر دو** (یهود و امتهای)، **یک انسان جدید در خود آفرید**. او با مرگ و رستخیز خود، از دو طایفه

به یک اندازه به خدا نزدیک شده‌اند و اکنون به یکسان به خدا دسترسی دارند.

در آیه ۱۸، پولس رسول از سه شخص تثلیث مقدس نام می‌برد **زیرا که بوسیله او (عیسی مسیح، خدای پسر) هر دو (یهود و غیریهودی) نزد پدر (خدای پدر) در یک روح (خدای روح القدس) دخول داریم**. هر چند که در وجود خدا، سه شخص متفاوت و مجزا از یکدیگر وجود دارند (پدر و پسر و روح القدس)، اما او یک وجود واحد است و به این دلیل است که خدا را با عنوان تثلیث می‌شناسیم، یعنی اینکه در خدای واحد، سه شخص مجزا در یک وجود واحد هست.

۱۹ در اینجا، پولس به افسسیان می‌گوید: **پس از این به بعد غریب و اجنبی نیستید بلکه هموطن مقدسین (یهودیان) هستید و از اهل خانه خدا (کلیسا).** او همین پیغام را به ما نیز می‌دهد. پیشتر از این، زمانی که مسیح را نمی‌شناختیم و به او ایمان نیاورده بودیم، غریب و اجنبی بودیم، ولی اینک ما اهل خانه خدا هستیم و دیگر غریب و اجنبی نمی‌باشیم (لوقا ۱۲:۳۲).
۲۰ در این آیه، پولس مطلب مهم دیگری را عنوان می‌کند. خانه خدا، یعنی کلیسا، **بر بنیاد رسولان و انبیا** بنا گردیده است. تعالیم کلیسا و بنیاد خانواده خدا بر پایه **رسولان** عهدجدید و **انبیا** عهدعتیق قرار دارد. به عبارت دیگر، کلیسا بر پایه عهدعتیق و عهدجدید (یعنی کتاب مقدس) بنا گردیده است. به بیانی ساده‌تر، شالوده و پایه مستحکم کلیسا، کلام خدا است. روح القدس، کلام خدا را به انبیای عهدعتیق و رسولان عهدجدید، الهام کرده است و آنها کلام خدا را به ما داده‌اند.

پولس به یک حقیقت مهم دیگر اشاره کرده می‌گوید که **عیسی مسیح سنگ زاویه کلیسا** می‌باشد^{۱۳}. و بدون عیسی مسیح، کلیسا در هم فرو ریخته خراب خواهد شد.

۲۱ سالها پیش، معبد یهودیان در اورشلیم

خراب شده و از بین رفته بود. اکنون کلیسا **هیكل مقدس** خداوند می‌باشد. و این معبد (هیكل) به وسیله عیسی مسیح، **مرتب شده ... در خداوند نمو می‌کند**. مسیح نه تنها سنگ زاویه کلیساست بلکه سر کلیسا نیز می‌باشد.

۲۲ ما ایمانداران سنگهای عمارت خدا می‌باشیم و خدا به وسیله ما کلیسای خود را بنا می‌کند. **ما با هم بنا کرده می‌شویم تا در روح مسکن خدا** گردیم. به وسیله روح القدس، ما ایمانداران با یکدیگر متحد می‌شویم و به کمک همان روح القدس در خداوند بنا می‌شویم. روح القدس در ما (معبد خدا) زندگی می‌کند (اول قرنتیان ۳:۱۶؛ اول پطرس ۲:۵) و تفسیر آن را مشاهده کنید). خداوند معبد خود را بنا کرده است و اینک به وسیله روح القدس در ما زندگی می‌کند.

کلیسای ما چگونه است؟ آیا اعضای کلیسای مادر اتحاد با یکدیگر بسر می‌برند؟ آیا در کلیسا سلامتی و مصالحه وجود دارد؟ آیا مثل اعضای یک خانواده یکدیگر را دوست داریم؟ آیا دیگران با مشاهده کلیسای ما، چهره خدا را مشاهده می‌کنند؟ خدا چه می‌بیند؟

باب ۳

پولس واعظ امتهای (۱:۳-۱۳)

۱-۲ در این آیه، پولس خود را **اسیر مسیح عیسی** معرفی می‌کند. او این نامه را زمانی نوشت که در روم زندانی بود. پولس اشاره می‌کند که **برای امتهای اسیر و زندانی است**، زیرا به خاطر موعظه انجیل به امتهای بود که پولس

۱۳- در زمان قدیم، بنایان یک سنگ اصلی را که زاویه قائمه داشت در نیش اصلی دیوار قرار می‌دادند و بر مبنای آن «سنگ زاویه» بقیه عمارت را می‌ساختند. در صورت فقدان سنگ زاویه، دیوارهای آن بنا یا کج می‌شد و یا پیش از آنکه عمارت ساخته شود، در هم فرو می‌ریخت.

زندانی شده بود.

پولس چه در زندان بوده باشد و چه آزاد، اسیر محبت عیسی مسیح بود! او عیسی را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود پذیرفته بود و به فرمان او زندگی می‌کرد. او اراده خود را اسیر فرمان عیسی ساخته بود!

وظیفه خاص پولس رسول موعظه به امتهای بود (اعمال ۲۱:۲۲؛ رومیان ۱۵:۱۵-۱۶ را مشاهده کنید). او مأموریت مخصوصی از جانب خدا دریافت نموده بود تا **تدبیر فیض خدا** را به امتهای برساند.

۳ در اینجا بار دیگر، پولس در باره **سِرّ** سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که آن **از راه کشف بر من اعلام شد**. پیشتر در افسسیان ۱:۹-۱۰ درباره آن نوشته بود. این راز و سِرّ چه بود؟ رازی که بر پولس کشف شده بود از این قرار بود که خدا همه چیز را در مسیح جمع خواهد کرد. در باب دوم افسسیان، پولس نشان داد که چگونه مسیح یهودیان و امتهای را در خود با هم آشتی داده است. پولس این راز را از کسی فرا نگرفته بود، بلکه مستقیماً از سوی خدا دریافت کرده بود.

۴ با خواندن بابهای ۱-۲، افسسیان متوجه شده بودند که پولس **از سِرّ مسیح** باخبر است و نسبت به آن **ادراک** دارد. رازی که بر پولس کشف شده بود **سِرّ مسیح** بود، و او ادراک نموده بود که مسیح **سِرّ همه چیز** است (افسیسیان ۱:۲۲) و در مسیح، یهودیان و امتهای در یک بدن، یعنی کلیسا اتحاد یافته‌اند (اول قرنتیان ۱۲:۱۲-۱۳، ۲۷؛ افسسیان ۲:۱۶-۱۷، ۳:۶ را مشاهده کنید).

۵ این **سِرّ در قرنهای گذشته به بنی آدم آشکار نشده بود**. در قرنهای گذشته و نسلهای پیش، کسی از **سِرّ مسیح** باخبر نبود. فقط آنگاه که مسیح به زمین آمد، از آن راز پرده برگرفت و **سِرّ** نهان را **بر رسولان مقدس و انبیای او به روح مکشوف** و آشکار نمود^{۱۴}. عیسی مسیح، راز

خود را به وسیله روح القدس آشکار می‌سازد. ۶ در اینجا بار دیگر پولس رسول در باره **سِرّ** سخن می‌گوید؛ و سِرّ این است که به خاطر کار بزرگ عیسی مسیح بر روی صلیب، **امتها در میراث و در بدن و در بهره وعده او (خدا) در مسیح به وساطت انجیل شریک هستند** (افسیسیان ۲:۱۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید). در مسیح، یهودیان و امتهای یکی شده‌اند. تمام کسانی که به مسیح ایمان آورده‌اند، در نزد خدا برابر هستند. یهودیان، خود را برتر می‌پنداشتند و امتهای را پائین‌تر از خود می‌دانستند، ولی در نظر خدا، همه ایمانداران در یک مرتبه و مقام قرار دارند.

اکنون **امتها در میراث اسرائیل**، یعنی در برکات عهد خدا با اسرائیل و وعده‌های ملکوت آسمان شریک می‌باشند. اکنون، هر که به مسیح ایمان آورد، چه یهودی و چه امتهای، از اتباع ملکوت آسمان می‌باشد. اینک، امتهای در عهدی که خدا با اسرائیل بسته بود شریک گردیده‌اند. براساس آن عهد، اسرائیل قوم خاص خدا خوانده می‌شد و باید مطابق خواست و اراده خدا زندگی کند و در مقابل، خدا از اسرائیل محافظت می‌کرد و ایشان را برکت می‌داد. ولی اکنون، همه ایمانداران، قوم خاص خدا گردیده‌اند و خدا نسبت به همه فرزندان خود در عیسی متعهد می‌باشد.

از این گذشته، امتهای همراه با یهودیان ایماندار، **در بدن مسیح** یعنی در کلیسا شراکت دارند (اول قرنتیان ۱۲:۲۷).

علاوه بر تمام اینها، **امتهای در بهره وعده او** یعنی در نجات به وسیله انجیل عیسی مسیح شریک گردیده‌اند. خدا به قوم بنی اسرائیل **وعده** داده بود که نجات دهنده‌ای را برای آنها می‌فرستد و آنها منتظر ظهور آن منجی بودند تا اینکه از نجات او **بهره** بگیرند. در اینجا پولس

۱۴- در اینجا، منظور از انبیا، انبیای عهدجدید

است؟

موجود بود، ولی هیچ نخورد و گرسنه تر از سابق به خانه خود بازگشت؟

در این دنیا، مردم در پی ثروت و دولتی فاسد شدنی و فانی می‌باشند، حال آنکه مادر مسیح، ثروت و میراثی بی‌فساد داریم. آیا موقع آن نرسیده است که خبر این ثروت بی‌فساد و بی‌قیاس و بی‌نهایت خدا را به دیگران برسانیم؟ بعضی اوقات ممکن است با خود گمان کنید که هیچ ثروت و برکتی ندارید. ممکن است با خود بگویید: «من نمی‌توانم کار مهمی برای خدا انجام بدهم! کلیسای ما خیلی کوچک و فقیر و ضعیف است!» آیا برآستی فکر می‌کنید که فقیر و ضعیف هستید؟ آیا نمی‌دانید که کلیسای شما، دارای ثروت بی‌قیاس و قوت بی‌نهایت عظیم خداست؟ ما «بی‌نهایت» قوی هستیم و ثروت مادر مسیح «بی‌قیاس» است! ثروت و دولت بی‌قیاس مسیح کدام است؟ دولت بی‌قیاس مسیح شامل تمام فیض و عطایای روحانی و تمامی برکات روحانی او (افسیان ۱:۳)؛ به همراه انجیل نجات مسیح یعنی قوت خدا (اول قرنتیان ۱:۱۸) می‌باشد. ولی مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدیه خدا به ما، برکت داشتن رابطه با خود مسیح است. زیرا در او تمامی ثروت و دولت روحانی و برکات سماوی و نجات انجیل، متمرکز است (رومیان ۸:۳۲ را مشاهده کنید).

۹ در این آیه، پولس در باره خدمت خود سخن می‌راند. او نه تنها موظف بود که انجیل مسیح را به امتهای موعظه نماید؛ بلکه می‌گوید باید همه را روشن سازم که چیست انتظام آن سرّی که از بنای عالمها مستور بود. پیش از آنکه عالمها آفریده شوند، سرّ نجات ما به وسیله عیسی مسیح، مستور بود، ولی اکنون آن راز، مکتشف شده است (آیه ۵). ملاحظه کردیم که سرّ خدا این بود که همه را در مسیح جمع کرده همه را تحت فرمان مسیح قرار دهد (افسیان ۱:۱۰). این به معنی خلق نمودن انسانیتی تازه و

می‌گوید که امتهای نیز به واسطه ایمان در بهره و عهده خدا یعنی نجات به وسیله مسیح موعود اسرائیل شریک گردیده‌اند.

۷ پولس می‌گوید به حسب فیض خدا که بر حسب عمل قوت خدا به او داده شد، او خادم پیام و انجیل عیسی مسیح گردید. همه ما که به عیسی مسیح ایمان آورده‌ایم و خواهان اطاعت از او می‌باشیم، از سوی خدا فیض، قوت، و دعوت خدمت را دریافت نموده‌ایم. خدا نیرو و فیض لازم را جهت خدمت به او بخشیده است. حال باید پرسید: «امروز چه کسی را خدمت کرده‌ام؟ وقت خود را صرف خدمت به چه کسی می‌کنم؟ چه کسی پادشاه و ارباب من است؟ آیا ارباب و پادشاه خود عیسی مسیح را محبت، اطاعت و خدمت می‌کنم؟»

۸ پولس به خود مغرور نمی‌شود و خود را شخص مهمی نمی‌پندارد. می‌گوید: کمتر از کمترین همه مقدسینم.

خدا خدمت مخصوصی به عهده پولس واگذار کرده بود. پولس مأمور بود که در میان امت‌ها به دولت بی‌قیاس مسیح بشارت دهد. برکات مسیح بی‌قیاس می‌باشند. برکات خدا، غیرقابل اندازه‌گیری و قیاس است. این دولت بی‌قیاس مسیح همان برکات روحانی در جایهای آسمانی می‌باشند که پولس رسول در افسسیان ۱:۳ به آنها اشاره نمود (کولسیان ۱:۲۴-۲۷ را مشاهده کنید).

زمانی که با دوستان و همسایگان خود صحبت می‌کنیم، آیا درباره ثروت و دولت بی‌قیاس مسیح سخن می‌گوییم؟ آیا با ایشان در باره خبر خوش میراث پر جلالی که در انتظارشان است، گفتگو می‌کنیم؟ آیا آنها را از عظمت قوت بی‌نهایت خدا (افسیان ۱:۱۹)، مطلع می‌سازیم؟ آیا خود ما این قدرت و ثروت عظیم و بی‌قیاس را دریافت کرده‌ایم؟ یا اینکه ما مثل آن شخصی هستیم که به مهمانی رفت و با اینکه در آنجا انواع غذاهای مختلف به فراوانی

نمایش نهاده شده است. اولین باری که خدا اینگونه محبت و قدرت خود را به نمایش گذاشت، موقعی بود که پسر یگانه خود عیسی مسیح را برای ما بر روی صلیب قربانی کرد. اینک به وسیله کلیسا، همان قدرت و محبت بی‌کران و بی‌نهایت خود را به معرض دید ما انسانها قرار داده است.

مورخین این جهان، در باره افراد قوی و ثروتمند، پادشاهان و وزرا و افراد مشهور و صاحب‌نام کتابها نوشته‌اند. ولی مورخین کتاب مقدس^{۱۵} در باره افراد عادی و گمنام سخن می‌گوید.

تاریخ‌نویسان این جهان، در باره جنگها، قراردادهای صلح، و پیمان‌های بین‌المللی مطلب می‌نویسند، ولی مورخین کتاب مقدس در باره جنگ میان مسیح و شیطان، مبارزه میان نیکی و شرارت و جنگی که مسیح در آن پیروز شد، می‌نویسند. در کتاب مقدس، سند بزرگترین پیمان صلح عالم یعنی صلح و سلامتی میان خدای پاک و بشر گناهکار را مشاهده می‌کنیم. پیمان صلحی که دست‌آورد کار عظیم عیسی مسیح بر روی صلیب می‌باشد.

مورخین دنیا در باره ظهور و سقوط پادشاهان و سلاطین این عالم، کتابها نوشته‌اند. ولی تاریخ‌نویسان کتاب مقدس در باره سلطنتی که همیشه پابرجا خواهد ماند، یعنی پیرامون تاریخ عالم روحانی و پادشاهی خدا، مطلب می‌نویسند. پادشاهی خدا و ملکوت آسمان، حد و مرزی ندارد و تمام نقاط عالم را فرا می‌گیرد. کلیسای مسیح مظهر و نمونه ظاهری ملکوت خداست.

۱۳ هر چند در زمان نگارش این نامه، پولس

۱۵- باید به خاطر داشت که کتاب مقدس، صرفاً مجموعه‌ای از نبوتها و دستورات دینی نمی‌باشد، بلکه کتابی تاریخی نیز هست. کتاب مقدس سند تاریخی اصیل می‌باشد.

روحانی می‌باشد. اکنون او اجتماعی روحانی به نام کلیسا بنا نموده است تا اینکه همه افراد بشر، به کمک ایمان به عیسی مسیح، تولد تازه یابند و بتوانند به عضویت آن جامعه روحانی یعنی کلیسا در آیند. این همان سرّی می‌باشد که از ابتدای خلقت مستور بوده است و اکنون **بر حسب تقدیر ازلی که در خداوند ما مسیح عیسی** (آیه ۱۱) مکشوف گردیده است.

۱۰ تقدیر ازلی خدا (آیه ۱۱) و هدف اصلی خدا از مکشوف نمودن این راز چه بوده است؟ هدف خداوند از پرده برداشتن از آن سرّ این بوده است که حکمت خود را به **ارباب ریاستها و قدرتها در جایهای آسمانی** (هم فرشتگان و هم ارواح شیطانی) آشکار سازد (افسیسیان ۲:۲) را مشاهده کنید).

خدا چگونه حکمت خود را به ارباب و قدرتهای آسمانی معلوم خواهد کرد؟ قصد خداوند این است که حکمت خود را **بوسیله کلیسا معلوم** نماید. خدا افتخار بزرگی نصیب ما کرده است ولی در عین حال، چه مسئولیت خطیری بر عهده ما نهاده است! خدا راز حکمت خود را به وسیله کلیسای کوچک شما، نه تنها به همسایگان و جهانیان معلوم خواهد نمود؛ بلکه او حکمت ازلی خود را به اربابها و ریاستهای روحانی، فرشتگان و حتی خود شیطان، مکشوف خواهد نمود؛ زیرا کلیسا، که بدن مسیح است، بر شیطان و قوای شرارت پیروزی یافته است.

۱۱-۱۲ تقدیر ازلی خدا این بود که همه مردم، چه یهود و چه امتهای، به سبب ایمان به عیسی مسیح، با **جسارت و با اعتماد** نزد او حاضر شوند و در پیش او **دخول** یابند. و با جسارت و اعتماد به خانواده او (کلیسا) بیایند (عبرانیان ۴:۱۶؛ ۱۹:۱۰-۲۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید). بیایید لحظه‌ای به کلیسا نظر کنیم. کلیسا، مهمترین چیز در این جهان می‌باشد. چرا؟ چون در کلیسا، نقشه و هدف و **تقدیر ازلی خدا** به

رسول در زندان بود، ولی به کلیسای افسسیان

می‌گوید: **استدعا دارم که از زحمات من به جهت شما خسته خاطر شوید.** ایمانداران افسس باید به عوض دلسرد و نگران شدن برای پولس، در دولت بی‌قیاس و جلال بی‌نهایت فیض مسیح، فخر کنند.

دعای پولس رسول برای افسسیان (۴:۱۴-۲۱)

۱۴-۱۵ در اینجا پولس رسول دربارهٔ ایمانداران سخن می‌گوید. مقصود از هر **خانواده‌ای در آسمان و بر زمین** تمامی کسانی است که به عیسی مسیح ایمان آورده‌اند و با نام او **مسمی** هستند. کلیسا خانوادهٔ خداست و به همین خاطر با نام خدا، نامگذاری (مسمی) گردیده است.

از آنجا که کلیسا خانوادهٔ خداست، پولس نزد رئیس خانواده، خدای پدر، زانو زده و دعا می‌کند. پولس از خدا می‌خواهد که افسسیان در **انسانیت باطنی خود** (آیهٔ ۱۶)، یعنی در درون و در روح خود به وسیلهٔ قوت خدا **زورآور** (آیهٔ ۱۶) شوند. او همچنین دعا می‌کند که **مسیح به وساطت ایمان در دل‌های** افسسیان ساکن گردد (آیهٔ ۱۷). البته نباید فراموش کرد که این دعای پولس، فقط برای ایمانداران افسس نمی‌باشد و او برای ما نیز این چنین درخواست و دعا می‌نماید.

۱۶ نیرویی که پولس رسول به خاطر آن دعا می‌کند، قدرت و قوت روحانی است. این نوع قدرت، همیشه باطنی می‌باشد و صاحب چنین قدرتی، در درون قلب و روان خود و در **انسانیت باطنی خود** به وسیلهٔ روح القدس، نیرو می‌گیرد. این همان نیرو و قوتی است که پولس در افسسیان ۱۹:۱ به آن اشاره نمود. اگر روح القدس در زندگی کسی وارد شود، آن شخص **به قوت زورآور** خواهد شد. پولس هر روزه این نیروی زندگی بخش را در خود تجربه می‌نمود (فیلیپان

۴:۱۳).

۱۷ بخش دوم دعای پولس برای افسسیان این است که مسیح (یعنی روح مسیح که همان روح القدس باشد) در درون زندگی و روان ایمانداران **ساکن شود**. اگر مسیح در ما ساکن گردد، هر روز بیشتر از روز پیش به شباهت او در خواهیم آمد. و با سکونت روح مسیح در قلب و روان ما، زندگی ما مملو از محبت خواهد شد (رومیان ۵:۵ را مشاهده کنید).

۱۸ اگر مسیح در ما ساکن باشد، **آنگاه در محبت ریشه کرده و بنیاد نهاده** خواهیم شد. ما مانند درختی خواهیم بود که در کنار چشمه‌های محبت خدا کاشته شده باشد. مثل خانه‌ای خواهیم بود که پایهٔ آن بر مبنای محبت قرار نهاده شده باشد. پولس دعا می‌کند که افسسیان درک کنند که **عرض و طول و عمق و بلندی** محبت مسیح چیست. محبت مسیح آنقدر «عریض» است که همهٔ انسانها را در بر می‌گیرد. محبت مسیح تا به آخر «طول» می‌کشد. محبت مسیح از آن چنان «عمقی» برخوردار است که شامل حال پست‌ترین گناهکاران نیز می‌گردد. و بالاخره محبت مسیح آنقدر بلند است که ما را از عمق ذلت گناه به اوج عزت ملکوت بالا می‌برد. صلیب، نمونهٔ بارز و علنی محبت مسیح است. چوب افقی صلیب از شرق تا غرب کشیده شده است و چوب عمودی صلیب، پلی میان انسان گناهکار زمینی و ملکوت آسمان می‌باشد. به بیانی دیگر، محبت مسیح آنقدر عظیم است که می‌تواند هر بشری را به ملکوت خدا رهنمون گردد.

۱۹ پولس در اینجا برای افسسیان دعا می‌کند که نه تنها محبت مسیح را درک کنند بلکه به آن محبت **عارف** شوند. یعنی اینکه محبت مسیح را در زندگی خود تجربه کنند و محبت خدا را به طور شخصی و درونی بچشند. محبت مسیح (محبت خدا) با عقل بشری قابل درک نیست. به همین جهت است که پولس اعلام

همانطور که محبت خدا مافوق درک و فهم ماست (آیه ۱۹)، به همین ترتیب نیز قدرت او مافوق حد تصور و تفکر ما می‌باشد. محبت بی‌نهایت و قدرت بی‌حد، دولت بی‌قیاس، چقدر خدای ما بزرگ است! **مر او را در کلیسا و در مسیح عیسی تا جمیع قرن‌ها تا ابد الآباد جلال باد، آمین.**

باب ۴

اتحاد در بدن مسیح (۴: ۱-۱۶)

۱ در سه باب اول این رساله، پولس در مورد خدا و آن تقدیر ازلی که در خداوند ما مسیح عیسی نموده بود (افسیان ۳: ۱۱) سخن گفت. او در باره کلیسا یا انسان جدید (افسیان ۲: ۱۵)، تعلیم داد و گفت که ما برای فرزندخواندگی خدا دعوت شده‌ایم (افسیان ۱: ۵). اینک در این باب، پولس در مورد نحوه زندگی ما مسیحیان تعلیم می‌دهد. اکنون که دعوت شده‌ایم تا به انسانهایی جدید و فرزندان خدا مبدل گردیم، زندگی روزمره ما مسیحیان چگونه باید باشد؟ زیرا اکنون فرزندان خدا هستیم و بایستی از قوانین و مقررات پدر آسمانی خود پیروی نماییم. به بیانی دیگر، باید مثل فرزندان خدا زندگی کنیم.

بنابراین پولس رسول در آیه ۱ مسیحیان را دعوت می‌کند که **به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده‌اید، رفتار کنند** (فیلیپیان ۱: ۲۷)؛ کولسیان ۱: ۱۰ را مشاهده کنید). و سپس در آیات ۲-۱۶، پولس خاطر نشان می‌کند که ما انسانهایی جدید و اعضای خانواده روحانی هستیم و به داشتن روابطی جدید دعوت شده‌ایم؛ و برای داشتن رفتار شایسته دعوتی که به آن خوانده شده‌ایم باید در اتحاد زندگی کنیم.

۲ حال چگونه می‌توان در اتحاد زندگی کرد؟ اول از همه باید فروتن بود^{۱۶}. چرا در

می‌کند که محبت مسیح فوق از معرفت است. با وجود این، هر یک از ما ایمانداران، توانایی درک و تجربه این محبت را در زندگی خود داریم. پولس دعای خود را این گونه ادامه می‌دهد: **تا پُر شوید تا تمامی پُری خدا!**

«پُر شدن تا تمامی پُری خدا» چگونه است؟ پُری خدا، شامل هر برکت روحانی در جایهای آسمانی در مسیح می‌باشد (افسیان ۱: ۳)؛ پُری خدا یعنی دریافت دولت جلال میراث او (افسیان ۱: ۱۸)؛ پُری خدا یعنی عظمت بی‌نهایت قوت او نسبت به ما مؤمنین بر حسب عمل توانایی قوت او (افسیان ۱: ۱۹). پُری خدا یعنی دولت بی‌قیاس مسیح (افسیان ۳: ۸). و نهایتاً پُری خدا شامل روح القدس می‌شود که خدا در قلبهای ما ریخته است (رومان ۵: ۵). و اگر مسیح به وسیله ایمان در قلب و وجود ما زندگی نماید، تمام این پُری خدا، به ما تعلق خواهد گرفت.

دعای ما این باشد که خداوند همیشه و هر روزه، بوسیله روح خویش که در قلبهای ما می‌ریزد، ما را با پُری خود پُر بسازد. باشد که برای چیزهای کوچک دعا نکنیم بلکه برای **تمامی پُری خدا!**

پولس رسول چه چیز خوب و پر ارزشی برای افسسیان (و ما) طلب می‌کند! او در دعای خویش، برای ما قوت، محبت، معرفت، و پُری خدا را طلب می‌نماید. آیا خدا این دعا را جواب خواهد داد؟ آیا او قوت و قدرت اجابت کردن این دعا را دارد؟ بلی! او نه تنها قادر است بلکه مایل به اجابت این دعا می‌باشد (آیه ۲۰ را مشاهده کنید).

۲۰-۲۱ قدرت خدا به اندازه‌ای است که او قادر به انجام هر کاری می‌باشد. نه تنها او قادر است که دعاها را جواب دهد، بلکه او قادر است که **بکند بی‌نهایت زیادتر از هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم**. و این قدرت خدا به حسب آن قوتی که در ما عمل می‌کند (آیه ۲۰) دیده می‌شود.

۱۶- پولس می‌گوید که ما باید فروتنی، تواضع و

قبول نکنیم، در آزمایش فروتنی شکست خورده‌ایم.

عامل مهم دیگر جهت حفظ اتحاد در کلیسا، صبر و تحمل یکدیگر است. در سایه صبر و تحمل یکدیگر و در محبت است که اتحاد را در کلیسایمان نگاه خواهیم داشت. هر یک از ما مشکلات و ضعفهای خاص خود را دارد. طبیعی است که ما می‌خواهیم دیگران ضعفهای ما را تحمل کنند. پس لازم است که ما نیز **متحمل یکدیگر در محبت** باشیم. ما باید در محبت، ضعفها و مشکلات دیگران را نیز قبول کنیم. پس از غرور، عامل دیگر روحیه انتقاد و ایرادگیری است که اتحاد کلیساها را به هم می‌زند. این یکی از موفق‌ترین روشهای شیطان جهت برهم زدن اتحاد کلیسا است. پس لازم است که دیگران را با صبر و تحمل بپذیریم، حتی اگر بر خلاف میل و سلیقه ما سخن بگویند. بسیاری از موانع و مشکلات به وسیله صبر و تحمل، برطرف خواهند شد.

سومین عامل حفظ و نگهداری اتحاد در کلیسا، محبت می‌باشد. پولس از اعضای کلیسا، خواهش می‌کند که **متحمل یکدیگر در محبت باشید**. ما باید یکدیگر را ببخشیم. پولس می‌گوید: **همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است** (افسیان ۴: ۳۲).

بنابراین، متوجه می‌شویم که به منظور ایجاد توافق و حفظ اتحاد در کلیسا، لازم است که سه عامل وجود داشته باشد. این سه عامل مهم عبارتند از: فروتنی، تحمل و محبت. در باب گذشته، پولس رسول به ما ایمانداران گفت که ما سنگهای بنای کلیسا می‌باشیم (افسیان ۲: ۲۰-۲۲). اگر ما سنگهای بنای کلیسا هستیم، محبت، حلم و فروتنی مانند ملاط میان سنگها

حلم را پیشه کنیم. حلم و فروتنی و تواضع همیشه دست در دست یکدیگر دارند. حلم و فروتنی، هر دو ثمره روح القدس می‌باشند (غلاطیان ۵: ۲۳-۲۲).

کلیساها، تفرقه و جدایی پیش می‌آید؟ اکثر مواقع، این جدایی‌ها به خاطر غرور است. غرور همیشه دو ثمره بد به همراه خود خواهد آورد. اول اینکه بعضی‌ها به خاطر غرورشان، می‌خواهند بالاتر از دیگران باشند و برای همین سعی می‌کنند که رهبری کلیسا و جماعت را در دست بگیرند؛ و اگر مقام رهبری به آنها داده نشود، عصبانی می‌شوند و در کلیسا جنجال بپا کرده، باعث جدایی می‌گردند. رفتار بد و زنده دیگری که از غرور سرچشمه می‌گیرد، این است که از رفتار و گفتار دیگران دلگیر و افسرده شویم و به خاطر وجود غرور، حاضر به بخشیدن آنها نباشیم. این روحیه نیز ممکن است باعث جدایی و کدورت در میان اعضای کلیسا گردد. هرگاه از کسی دلگیر شدیم و رفتار اشخاص به نظرم توهین‌آمیز آمد، دلیلش این است که دچار غرور گردیده‌ایم! به همین جهت است که پولس می‌گوید شرط اصلی داشتن اتحاد در کلیسا، وجود فروتنی و حلم و تواضع می‌باشد. برخی فکر می‌کنند حلم و فروتنی نشانه ضعف است. حال آنکه این تصور کاملاً اشتباه است! زیرا انسان حلیم و فروتن و متواضع در حقیقت انسانی بسیار قوی است. او بر خود تسلط دارد و غرور خود را به کنترل خویش در آورده است؛ و به خاطر محبت به خدا و همسایه خویش است که با خوشحالی خود را به صورت غلام دیگران در آورده است.

چگونه می‌شود فهمید که فروتن و حلیم هستیم یا نه؟ فروتنی را به چه وسیله‌ای می‌توان اندازه گرفت؟ اغلب در دعا خود را گناهکار حساب می‌کنیم. ولی این نمی‌تواند معیار فروتنی باشد. آیا اگر دیگران ما را گناهکار قلمداد کنند، حرف و قضاوت ایشان را می‌پذیریم؟ آیا حکم آنها را با سادگی و خوشحالی می‌پذیریم؟ اگر جواب منفی است، پس ما فروتن و متواضع و حلیم نیستیم! اگر انتقادات دیگران را با روی خوش و دل خوش

- می‌باشد (کولسیان ۱۲:۳-۱۴ را مشاهده کنید).
- ۳** عامل اصلی اتحاد در کلیسا، **یگانگی روح** است. روح القدس خدا در کلیسا زندگی می‌کند (افسیان ۲۲:۲) و این روح القدس است که عامل یگانگی و اتحاد در کلیسا می‌باشد. بنابراین، اتحاد در کلیسا، اتحادی روحانی می‌باشد. ممکن است که ما از نظر کار و وظایف در کلیسا، و یا سلیقه و نحوه انجام کارها، با یکدیگر تفاوت داشته باشیم؛ ولی باید از نقطه نظر روحانی و در درون، با هم یگانگی روح را حفظ نماییم.
- به یاد داشته باشیم که اتحاد به صورت خود بخود و یکباره به وجود نمی‌آید. باید همه مادر پی ایجاد و حفظ اتحاد باشیم. ابلیس همیشه در پی برهم زدن اتحاد و یگانگی اعضای کلیسا است. و برای همین است که پولس رسول این چنین نصیحت می‌کند **سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی (صلح) نگاه دارید** (اول قرنیتان ۱:۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).
- برای نگاه داشتن اتحاد و یگانگی، نباید بگذاریم **رشته سلامتی** گسسته شود. عیسی مسیح **سلامتی** ماست (افسیان ۱۴:۲). او ما را به هم متصل نگاه می‌دارد. به همین دلیل است که ما باید همیشه خود را به مسیح متصل نگاه داریم.
- ۴** پولس به ایمانداران می‌گوید **دعوت شده‌اید در یک امید دعوت خویش**. امید دعوت ما چیست؟ امید دعوت ما این است که ما بتوانیم فرزندان خدا خوانده شویم. امید ما این است که وارث آن هدایای آسمانی در مسیح گردیم. امید ما این است که در ملکوت مسیح تا به ابد زندگی کنیم.
- یک جسد هست و یک روح**. از آنجا که یک روح در ما عمل می‌کند، ما نیز یک جسد (بدن روحانی یا کلیسا) هستیم. پس، ما ابتدا، در یک روح شراکت داریم و سپس به واسطه همان روح، به یک جسد تبدیل شده‌ایم. (اول قرنیتان
- ۱۳:۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).
- ۵** چون که یک **خداوند** داریم، در **یک ایمان**، نیز اتحاد داریم. یعنی اینکه ما به یک خداوند عیسی مسیح ایمان داریم. و از آنجا که یک خداوند و یک ایمان بیشتر وجود ندارد، به یک **تعمید** هم معتقدیم. یعنی اینکه همه ما به وسیله ایمان به خداوند عیسی مسیح و در نام او تعمید یافته‌ایم.
- ۶** تنها یک خدای حقیقی وجود دارد (اول قرنیتان ۵:۸-۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید). **خدا، پدر همه** است. از این پدر، خانواده مسیحی یعنی کلیسا منشأ می‌گیرد. میان خدای پدر، و خدای پسر (عیسی مسیح) و خدای روح القدس، اتحاد و یگانگی کامل وجود دارد. و به خاطر این اتحاد و یگانگی در وجود خدا، در میان اعضای کلیسا نیز بایستی اتحاد و یگانگی وجود داشته باشد.
- یک کلیسای روحانی و حقیقی، نباید دچار چند دستگی و اختلاف باشد. ولی واقعیت این است که کلیساها اغلب به این عارضه دچار می‌شوند. چرا؟
- با کمک مثالی از روابط خانوادگی، این موضوع روشن‌تر خواهد شد. هر خانواده معمولی، از پدر و مادر و فرزندان آنها تشکیل شده است. فرض کنیم که پدر و مادر از همدیگر جدا شده، طلاق بگیرند. و همچنین فرض کنیم که فرزندان خانواده نیز با یکدیگر نسازند و دایم مشغول جنگ و دعوا باشند. نتیجه این خواهد شد که آن خانواده به طور کامل متلاشی خواهد شد و از هم پاشیده خواهد گردید. آیا در این صورت، می‌توان نام خانواده را بر آنها نهاد؟ آیا آن اطفال، فرزندان آن پدر و مادر هستند یا نه؟ البته که هستند. آن خانواده، هر چند هم که از هم پاشیده باشد، باز خانواده خواهند بود.
- کلیسای ما نیز مانند یک خانواده زمینی می‌باشد. حتی اگر در کلیسای ما، اختلاف و جدایی و تفرقه وجود داشته باشد، هنوز

مشارکت با یکدیگر امتناع ورزند، آنگاه اختلاف و شقاق پیش خواهد آمد. در آن هنگام، خدا از وضعیت کلیسا ناراضی و محزون خواهد شد. باشد که خدا بر ما رحم کرده، ما را ببخشد و از ناراستی‌ها پاک گردانیده، شفا دهد!

۷ لیکن هر یکی از ما را فیض بخشیده شد. در این رساله پولس رسول از کلمه فیض به دو صورت استفاده کرده است. اولین کاربرد کلمه فیض، به معنای هدیه بخشش و نجات، از طریق رحمت خدا است (افسیان ۲: ۸). ولی کاربرد دوم کلمه فیض، به معنی هدیه و بخشش خدا به صورت هدایا و عطایای روحانی می‌باشد (آیه ۸) که مطابق صلاح‌دید مسیح و بحسب اندازه بخشش مسیح به ایمانداران داده می‌شود. باید توجه داشت که این بخششها به طور مساوی به همه داده نمی‌شود. در اینجا، منظور از بخششها و هدایا، آن قابلیت‌ها و استعدادهایی است که خدا در اختیار ایمانداران گذاشته است. به عنوان مثال توانایی موعظه و یا عطای تعلیم، عطای شفا و یا عطای مهمان‌نوازی و غیره. عیسی مسیح این هدایا را به ما بخشیده است تا آنها را برای ملکوت مسیح به کار بگیریم و به کمک آنها دیگران را خدمت کنیم.

توجه به این نکته لازم است که هر دو گونه «فیض» توسط روح‌القدس داده می‌شود. همانگونه که هر یک از اطفال یک خانواده شخصیت و ویژگی و قابلیت خاصی دارد و به نوع مشخصی در کارهای خانه انجام وظیفه می‌کنند؛ به همین ترتیب، هر کدام از ما عطای خاصی داریم و به هر یک از ما، وظیفه مشخصی محول گردیده شده است.

این دو نوع «فیض» یعنی «فیض نجات دهنده» و «فیض و عطایای بنا کننده»، به توسط روح‌القدس اهداء شده است. از این نکته، به حقیقت مهمی پی می‌بریم و آن این است که بزرگترین و مهم‌ترین هدیه مسیح به کلیسا،

کلیسایمان خانواده خدا محسوب خواهد شد. ممکن است که در یک کلیسا، اختلاف و جدایی وجود داشته باشد؛ حتی ممکن است که میان کلیساهای متعددی اختلاف نظر موجود باشد. بعضی اوقات، ممکن است که کلیساهای یک منطقه با کلیساهای مناطق دیگر مخالفت نمایند. ولی صرف نظر از عدم وجود اتحاد و یگانگی کلیساهای مسیح، از نظر روحانی متحد می‌باشند. با وجود اختلافات بین کلیساها، باز آنها کلیسای عیسی مسیح هستند.

همانطور که اعضای یک خانواده زمینی در حفظ اتحاد خانواده خود تلاش می‌نمایند؛ به همان ترتیب نیز، پولس رسول به اعضای کلیسا می‌گوید: **سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید** (آیه ۳). به همان شکلی که وجود اختلافات در یک خانواده زمینی، باعث نگرانی و ناراحتی پدر خانواده می‌شود، به همان ترتیب، وجود اختلاف در میان اعضای کلیسا، باعث رنجش و نگرانی پدر آسمانی ما خواهد شد. اختلاف و جدایی و تشتت، کار شیطان است. هر زمان که در کلیسا تواضع و فروتنی، صبر و تحمل، و محبت دیده نشود، شیطان دست به کار خواهد شد و آتش اختلاف و چند دستگی را دامن خواهد زد.

وجود کلیسای مختلف، امری طبیعی و ضروری است. هر دهکده و محله‌ای نیاز به کلیسا دارد. در یک شهر بزرگ، وجود چندین کلیسا، کاملاً ضروری می‌باشد. زیرا در این صورت، ایمانداران قادر خواهند بود که در نزدیکی محل اقامت خود، پرستش کنند. حتی وجود چندین کلیسای مختلف در یک مکان نیز مجاز می‌باشد، البته مشروط بر اینکه این کلیساها و جماعات با یکدیگر دشمنی و رقابت نورزند و سعی در خنثی کردن کارهای یکدیگر نکنند.

ولی زمانی که کلیساها و جماعات، با یکدیگر دوستی و همکاری ننمایند و از

عطایای مسیح به کلیسایش می‌باشند. این پنج گروه، در واقع پنج نوع رهبریتی است که مسیح به کلیسایش بخشیده است تا اینکه این رهبران، ایمانداران کلیسا را در جهت رشد و تعالی آن یاری نمایند. بعضی از مفسرین کلام معتقدند که این بخشش‌ها با عطایای روح‌القدس که در اول قرن‌تین ۷:۱۲-۱۰ آمده است، کاملاً تمایز دارند. حال چه اینها یکی باشند و چه متمایز، آنچه که مشخص می‌باشد این حقیقت است که هر دو این گروه عطایا به وسیله مسیح و روح‌القدس به جهت تقویت و تشویق ایمانداران و بنای کلیسای مسیح داده شده است.

در اینجا یک سوال مطرح می‌شود: آیا این عطایا طبیعی هستند و ماوراءالطبیعه می‌باشند؟ به بیانی دیگر، آیا صاحب این عطایا به طور مادرزادی این توانایی‌ها را به دست آورده است و بنا به قابلیت‌ها و استعداد‌های فردی خود، بشارت و نبوت و تعلیم می‌دهد؟ یا اینکه این بخشش‌ها از سوی روح‌القدس به افراد داده شده است. خدا، به طور طبیعی به هر یک از ما انسانها قابلیت‌ها و استعداد‌های مخصوصی بخشیده است. ولی وقتی ما به مسیح ایمان می‌آوریم، روح‌القدس کار مخصوص خود را از آن زمان در ما شروع می‌کند و با دادن هدایای روحانی و یا رشد دادن قابلیت‌های طبیعی ما و تصفیة ناخالصی‌هایمان، ما را برای خدمت خویش آماده می‌سازد.

ولی در عین حال، هدایایی هستند که به طور خارق‌العاده به ما داده می‌شوند (اول قرن‌تین ۸:۱۲-۱۰)، که فقط پس از آنکه شخصی مسیحی شد و از روح‌القدس پُر گردید به وی داده خواهد شد. (اول قرن‌تین ۷:۱۲-۱۱ و تفسیر آن را و نیز مقاله عمومی: «تعمید روح‌القدس» را مشاهده کنید).

چرا مسیح این بخشش‌ها را به کلیسا عطا نمود؟ این بخشش‌ها برای تکمیل مقدسین، برای

همانا خود روح‌القدس می‌باشد. زیرا که به خاطر فیض روح‌القدس است که مابقی عطایا و نعمات برای ما افزون خواهند شد. به عبارت دیگر، خدای پدر، عیسی مسیح را به ما عطا فرمود و عیسی مسیح، روح‌القدس را به ما داد، و هر سه اینها یکی هستند. پدر، پسر، روح‌القدس، خود را به ما بخشیده‌اند.

۸ پولس در اینجا از مزمو ۱۸:۶۸ نقل قول می‌کند. در این نقل قول، نویسنده مزمو، از سوی خدا نبوت کرده، در باره ظهور مسیح و کار او پیشگویی می‌کند.

زمانی که عیسی به آسمان بالا رفت، **اسیری را با خود به اسیری برد.** او آن چیزهایی را که پیشتر ما را اسیر خود می‌ساختند یعنی گناه و مرگ و ابلیس، را به اسارت خود در آورد و ما را آزاد ساخت. مسیح بر اسارت پیروز شد و با این کار، آزادی را به ما هدیه فرمود. و زمانی که به آسمان بالا رفت، **بخشش‌ها به مردم داد.**

۹-۱۰ زمانی که مسیح بر روی صلیب جان سپرد، **به اسفل زمین نزول کرد (آیه ۹).** ولی پس از سه روز، **صعود نیز کرد بالاتر از جمیع افلاک (آیه ۱۰).** اینک او بالاتر از همه است و بر تمامی جهان نظارت و ریاست دارد (افسیان ۱:۲۲-۲۳ را مشاهده کنید).

۱۱-۱۲ پولس رسول در این آیات به پنج «بخشش» یا عطیة خدا به کلیسا اشاره می‌کند. عیسی مسیح به کلیسای خود افراد مختلف و هدایای گوناگونی بخشیده است. برخی را به عنوان **رسولان** و عده دیگری را به عنوان **انبیا** به خدمت خود گماشته است. بعضی را به عنوان **مبشرین** کلام مجهز کرده است. او به کلیسای خود **شبانان** و **معلمان** هدیه نموده است. البته، مسیح به کلیسا و به ایمانداران عطایا و هدایای بی‌شماری داده است و این پنج هدیه فقط مُشتی از خروار می‌باشد (اول قرن‌تین ۱۲:۲۷-۲۸؛ رومیان ۴:۱۲-۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ولی این پنج عطیه، مهم‌ترین

کاملاً شبیه مسیح نخواهیم شد. با این حال، باید با تمام قوت سعی کنیم که به هدف نزدیک‌تر گردیم. ما نباید از رشد کردن باز ایستیم، بلکه باید هر روزه در جهت بلوغ روحانی حرکت نماییم. به عبارت دیگر، ما نباید در طفولیت روحانی باقی بمانیم (آیه ۱۴).

۱۴ اطفال در هیچ چیز ثابت نمی‌باشند، دائماً از یک اسباب‌بازی به سوی اسباب‌بازی دیگری حرکت می‌کنند. اطفال هر چیزی را باور می‌نمایند. آنها مانند برگهایی در دست باد هستند که از این طرف به آن طرف رانده می‌شوند. پولس می‌گوید مانند اطفال نابالغ نباشید.^{۱۷}

۱۵ در این دریای پر تلاطم این **راستی** و حقیقت است که ما را ثابت نگاه می‌دارد. ولی این راستی باید در **محبت** باشد. پولس رسول می‌گوید: **در محبت پیروی نموده در هر چیز ترقی نماییم.** بعضی از مردم بدون توجه به محبت، از راستی پیروی می‌کنند. این افراد، باعث بسیاری از جدایی‌ها و چند دستگی‌های درون کلیسا خواهند شد. از سوی دیگر، بسیاری از مسیحیان، مرتکب اشتباه دیگری می‌شوند. آنها معتقدند که محبت بالاتر از راستی می‌باشد. در نتیجه این اشتباه، راستی را به زبان نمی‌آورند، مبادا دیگران را ناراحت کنند. ولی باید به یاد داشت که راستی و محبت لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند. راستی بدون محبت، بسیار سخت و خورد کننده است؛ و محبت بدون راستی، بسیار نرم و سست می‌باشد. ولی اگر در کلیسا هم راستی و هم محبت وجود داشته باشد، آنگاه اعضای آن کلیسا **در هر چیز ترقی** خواهند نمود و رشد خواهند کرد.

۱۷- البته از یک نظر، همه مسیحان باید مانند اطفال باشند؛ بدین معنا که همانطوری که کودکان به پدر خود اعتماد دارند، ما نیز باید با اعتمادی کودکانه به خدا تکیه کنیم (مرقس ۱۰:۱۵ را مشاهده کنید).

کار خدمت، برای بنای جسد مسیح به کلیسا داده شده است (آیه ۱۲). با کمک این عطایا، کلیسا یا جسد (بدن) مسیح بنا خواهد گردید. این عطایا برای استفاده شخصی ما داده نشده است، بلکه خدا می‌خواهد که ما از آنها به جهت کلیسا و برای بنای ایمانداران دیگر استفاده کنیم. **ولی هر کس را ظهور روح به جهت منفعت عطا می‌شود** (اول قرنتیان ۷:۱۲). خدا این عطایا را به ما داده است تا به وسیله آن دیگران را خدمت کنیم. به عنوان مثال، **شبانان** رئیس و صاحب کلیسا نیستند، بلکه خادمین کلیسایند. یا **معلمان** رئیس و خداوند شاگردان خود نمی‌باشند، بلکه خدمتگزاران ایشانند. عیسی مسیح نمونه و سرمشق ماست. هر چند او با خدا برابر بود، صورت غلام به خود گرفت و آمد تا خدمت کند، نه اینکه خدمتش کنند (مرقس ۱۰:۴۳-۴۵؛ فیلیپیان ۲:۵-۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

اگر از عطایای خود برای بنای جسد مسیح و کلیسا و ایمانداران دیگر استفاده نکنیم، نعمت خدا را بیهوده هدر داده‌ایم و خدا از این کار خشنود نخواهد شد.

۱۳ در این آیه می‌بینیم که عیسی مسیح این «بخششها» را به چند دلیل به کلیسا می‌دهد. دلیل اول این است که ما ایمانداران **همه به یگانگی ایمان و معرفت نام پسر خدا** برسیم. دلیل دوم مسیح از بخشیدن این عطایا به کلیسا این است که همه ما به **انسان کامل، به اندازه قامت پُری مسیح برسیم.** هدف اصلی خدا در این دلیل دوم نهفته می‌باشد. خدا می‌خواهد که همه ما ایمانداران (فرزندان او) به شباهت پسر عزیزش عیسی مسیح در آیمیم او می‌خواهد که هر ایمانداری بیشتر و بیشتر مسیح‌گونه شود (رومیان ۲۹:۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

در این زندگی، ما به انسانیت کامل یا به اندازه قامت پُری مسیح، نخواهیم رسید. در این زندگی زمینی، هر روزه **رُشد** خواهیم کرد ولی

ایمان نداشتند. برعکس آنها بت پرست بودند و مرتکب بسیاری اعمال غیراخلاقی می‌گردیدند. ذهن آنها، مملو از افکار پلید و جسمانی بود. افکار آنها پُر از **بطالت** بود. مردم بی‌ایمان این روزگار (و هر روزگار دیگری) نیز مانند بی‌ایمانان زمان پولس در بطالت ذهنی بسر می‌برند. باشد که ما مانند افراد این جهان نباشیم. ما دیگر فرزندان این جهان نیستیم، بلکه فرزندان خدائیم. پس به جای آنکه مثل فرزندان دنیا زندگی کنیم، باید مانند فرزندان خدا زیست نماییم. ما انسانهای جدیدی هستیم و باید به طریقی جدید زندگی کنیم (غلاطیان ۲۷:۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۸-۱۹ با مطالعه این آیات مشاهده می‌کنیم که نهایت انسان دنیوی به کجا خواهد انجامید. به خاطر غرق شدن در گناهانشان، آنها بیشتر و بیشتر از خدا دور می‌گردند. قلبهای آنها سخت می‌گردد (آیه ۱۸). و به خاطر این **سخت‌دلی** (۱۸) **بی‌فکر** (۱۹) شده‌اند و دیگر قادر به تشخیص میان خوبی و بدی نیستند. برعکس ایشان **خود را به فجور تسلیم کرده‌اند تا هرگونه ناپاکی را به حرص به عمل آورند**. چرا هر **گونه ناپاکی را بی‌حرص به عمل می‌آورند؟** زیرا شخصی که از خدا دور شده باشد، «خوشی» خود را از دست خواهد داد و گناه و فجور نیز آنها را قانع نخواهد نمود. هر چه بیشتر حرص می‌زنند، کمتر می‌یابند.

۲۰-۲۱ **لیکن شما مسیح را به این‌طور نیاموخته‌اید**. یعنی اینکه افسسیان این‌گونه زندگی کردن را از نمونه و سرمشق زندگی مسیح نیاموخته‌اند. اینگونه رفتار کردن بر پایه تعلیمات غلط و پیروی از گناهکاران است. این‌گونه رفتار، از **راستی عیسی** بسیار دور می‌باشد. باشد که ما نیز از تعلیمات مسیح دور نشویم و از گام نهادن در راههای گناه دوری نماییم.

۲۲ افسسیان از مسیح چه آموخته بودند؟ آنها از مسیح این حقیقت را یاد گرفته بودند که

بعضی اشخاص گمان می‌کنند که به منظور پرهیز از ناراحت کردن دیگران، اندکی دروغ گفتن مجاز است! ولی این اعتقاد غلط است. شاید در بعضی مواقع لازم است که سکوت کنیم و حرفی به میان نیاوریم، ولی اگر قرار شد که دهان خود را باز کنیم، لازم است که راست بگوییم.

۱۶ در اینجا پولس رسول یک بار دیگر کلیسا را به بدنی تشبیه می‌کند که سر آن مسیح است. تمامی اعضای بدن، تحت کنترل سر است، تمامی کلیسا نیز باید تحت کنترل **سر** یا مسیح باشد (آیه ۱۵). همانطور که یک کودک رشد می‌کند و بزرگ می‌شود، به همان ترتیب کلیسا نیز در محبت راستی رشد می‌نماید. **از او تمام بدن مرکب و مرتب گشته، به مدد هر مفصلی و بر حسب عمل به اندازه هر عضوی بدن را نمو می‌دهد برای بنای خویشتن در محبت**. در کلیسای مسیح، هر مفصل و عضوی به کمک **رشته سلامتی** (آیه ۳)، در محبت مسیح رشد می‌کند. و همانطور که اگر در یک بدن جسمانی، اعضای بدن به هم متصل نباشند، بدن متلاشی خواهد شد؛ به همان ترتیب اگر در کلیسا، رشته سلامتی اعضا را به هم ربط ندهد، کلیسا متلاشی خواهد شد.

انسانیت کهنه و انسانیت نو در مسیح (۴: ۱۷-۳۲)

۱۷ از این آیه به بعد، پولس بخش دیگری از نامه خود را شروع می‌کند. در آیات ۱-۱۶، پولس در باره اتحاد در کلیسا سخن گفت. از این آیه به بعد تا ۲۱:۵، پولس درباره قداست و پاکی کلیسا صحبت می‌کند. این دو، یعنی تقدس و اتحاد، دو عامل اساسی جهت بقای کلیسا می‌باشد.

پولس به افسسیان چنین هشدار می‌دهد: **دیگر رفتار ننمایید، چنانکه امت‌ها در بطالت ذهن خود رفتار می‌نمایند**. اغلب افراد غیریهودی در زمان پولس، به خدای حقیقی واحد قادر مطلق

راههای دروغ و گمراهی در طریق حقیقت گام خواهیم نهاد.

۲۴ پس از بیرون کردن انسانیت کهنه و تازگی ذهن، لازم است که **انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است** به تن نماییم. ما باید افکار، تمایلات و امیال جدید را طالب باشیم و مطابق فرمان روح القدس که در درون ماست، زندگی نماییم. باید سکان زندگی خود را به خدا بسپاریم و از سوی او هدایت و کنترل شویم. اگر انسانیت کهنه را از تن بیرون کنیم ولی انسانیت تازه را نپوشیم، برهنه خواهیم ماند! بسیاری افراد، مرتکب این اشتباه می‌شوند. آنها دیانت و راههای گذشته خود را ترک می‌کنند ولی از راهی جدید و انسانیتی جدید برخوردار نمی‌شوند. آنها نه به این راه تعلق دارند و نه به آن راه؛ نه پیرو این مکتبند و نه آن. اینگونه افراد، مدتی از این سو به آن سو می‌گردند و پس از مدتی دوباره به همان راههای سابق خود باز می‌گردند و نهایتشان بدتر از اولشان می‌شود (متی ۱۲:۴۳-۴۵؛ دوم پطرس ۲:۲۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

ما که به مسیح ایمان آورده‌ایم از نو مولود گردیده‌ایم و انسانی جدید یا «خلقتی تازه» شده‌ایم (دوم قرنتیان ۵:۱۷). ولی اینک باید مانند مخلوقی جدید زندگی کنیم. اینک که از روح خدا متولد گردیده‌ایم باید به **صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی** زندگی کنیم.

پولس می‌گوید که ما باید **انسانیت تازه** را به تن نماییم. این انسانیت جدید مانند لباس متحدالشکلی (انیفورم) است که مثلاً پرستاران، افراد پلیس، سربازان و یا زندانیان، به تن می‌کنند. مسیحیان نیز لباس روحانی متحدالشکلی به تن دارند. این لباس روحانی، عیسی مسیح است، افکار عیسی مسیح است، اعمال و امیال و طبیعت عیسی مسیح است، که به وسیله روح القدس پوشیده‌ایم.

جهت پیروی از مسیح، لازم است که **انسانیت کهنه را ... از خود بیرون** کنند. آنها می‌باید افکار، شهوات، اعمال انسانیت گناه‌آلود خود را از خود بیرون نمایند. همه ما انسانها، با طبیعتی آماده برای گناه کردن به دنیا می‌آییم. و تا زمانی که مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود نپذیرفته‌ایم، تحت کنترل گناه زیست می‌کنیم. انسانیت کهنه ما، در واقع همان انسانیتی است که پیش از ورود مسیح به قلب خود داشتیم و همان حالت زندگی در زیر کنترل گناه می‌باشد. بنابراین، پیش از آنکه **انسانیت تازه را بپوشیم** (آیه ۲۴)، لازم است که انسانیت کهنه را از خود بیرون نماییم. (رومیان ۶:۶؛ ۸:۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲۳ پولس به افسسیان می‌گوید پس از بیرون نمودن انسانیت کهنه، **به روح ذهن خود تازه شوید** (رومیان ۲:۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

افرادی که از روح خدا متولد نشده باشند، قادر به تازه ساختن ذهن خود نمی‌باشند. ابتدا ایشان باید به عیسی مسیح ایمان بیاورند و سپس به کمک روح القدس ذهن خود را تازه نمایند. ولی به یاد داشته باشید که پولس این نامه را به کلیسای افسسیان و به افراد ایماندار می‌نویسد. ایمانداران افسس، به واسطه ایمان به عیسی مسیح از روح القدس پُر شده بودند. آنها تولد تازه را از مسیح دریافت نموده بودند (یوحنا ۳:۳-۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اینک پولس به ایماندارانی که روح القدس را دارند، نصیحت می‌کند که **به روح ذهن خود تازه شوید**.

افسیان از سوی روح القدس تولد تازه را یافته بودند، اینک لازم بود که به وسیله روح القدس، افکار خود را تازه سازند. با کمک روح القدس، کلام خدا را بهتر درک خواهیم نمود. با کمک ذهن تازه، راه خود را در نور خدا پیدا خواهیم نمود و به جای گام نهادن در

متقابل در کلیسا، امری بی‌نهایت مهم و ضروری می‌باشد. تنها راه ایجاد اعتماد شایسته، راستگویی و پرهیز از دروغ می‌باشد.

۲۶ خشم‌گیرید و گناه مورزید. این نقل قول مستقیمی از مزمور ۴:۴ می‌باشد. هرگاه عصبانی می‌شویم باید به خاطر داشته باشیم که عصبانیت ما متوجه عمل بد باشد و نوک تیز عصبانیت خود را متوجه اشخاص نکنیم. زیرا عصبانی شدن و خشم گرفتن نسبت به دیگران، همیشه ما را به گناه خواهد کشانید^{۱۸}. برعکس، ما باید خطاکننده را ببخشیم و به او خشم نگیریم. رویه ما باید این باشد که از گناه متنفر بوده، گناهکاران را دوست بداریم. عیسی مسیح همین رویه را نسبت به ما در پیش گرفته است. او از گناهان ما متنفر است ولی ما گناهکاران را دوست دارد.

حتی اگر دلیلمان برای عصبانیت و خشم موجه باشد، نباید این خشم را به مدت طولانی به همراه خود حمل کنیم! باید پیش از غروب آفتاب، خود را از خشم و عصبانیت خود رها کرده باشیم. زیرا در غیر آن صورت، ابلیس خشم و عصبانیت مثبت و بناکننده ما را به تنفر و خشم تخریب کننده تبدیل خواهد کرد و از خشم ما برای ضربه زدن به دیگران و انداختن ما به دام گناه استفاده خواهد نمود. چگونه می‌شود از عصبانیت خلاصی یافت؟ به وسیله بخشیدن کامل طرف مقابل از صمیم قلب، می‌توانیم خود را از حملات شیطان در امان بداریم.

۲۷ ابلیس یا شیطان، همیشه در پی فرصتی

۱۸- زیرا اگر به عوض خشم گرفتن به افراد متخلف، نسبت به عمل بد آنها عصبانی شویم، خواهیم توانست که نیروی عصبانیت را برای بنا کردن و محبت نمودن آن شخص صرف کنیم. ولی اگر نسبت به شخص خطاکار خشمگین شویم، انرژی خشم خود را برای ضربه زدن به فرد خطاکار به کار خواهیم گرفت و این عمل گناه است.

همانطور که لباس و انیفورم یک شخص بایستی مطابق کار و پیشه او باشد، به همین شکل نیز زندگی و رفتار ما باید مطابق ایمان مسیحی ما و شایسته یک فرزند خدا باشد. اگر ما مطابق ایمان مسیحی خود زندگی نکنیم، مردم چگونه خواهند فهمید که ما مسیحی هستیم؟ یک انسان جدید، باید لباس تازه روحانی به تن داشته باشد. اولین کاری که یک زندانی پس از آزادی می‌کند چیست؟ اولین کار او این است که لباس کهنه زندان را از تن خود بیرون کرده لباس تازه افراد آزاد را به تن نماید. به همین ترتیب، ما ایمانداران که از زندان گناه و ابلیس آزاد شده‌ایم، باید لباس کهنه اسارت گناه را از تن بیرون کرده، جامه نو روحانی یعنی عیسی مسیح را بپوشیم (رومیان ۱۳:۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲۵ اینک پولس به آن رفتار کهنه انسانیت قدیمی که باید به کناری نهاده شوند اشاره می‌کند، و از اعمالی که لازم است بپوشیم، یاد می‌نماید.

پولس می‌گوید که پیش از هر چیز **دروغ را ترک** کنید، و در عوض آن رفتار کهنه گناه‌آلود، **هر کس با همسایه خود راست بگوید.** ما باید همیشه و در هر حال راست بگوییم. چه بسیار پیش می‌آید که برای پوشاندن اعمال زشت و گناهان خود متوسل به دروغ و تقلب می‌شویم! باشد که به جهت پنهان سازی انسانیت کهنه خود، حقیقت را کتمان نکنیم و دروغ نگوییم.

نگفتن دروغ کافی نیست! بلکه باید راستگویی را نیز پیشه نمود. زیرا که با پنهان کردن گوشه‌ای از حقیقت، ممکن است باعث گمراهی و فریب دیگران گردیم. گپیچ کردن و گمراه ساختن دیگران، به وسیله نگفتن تمام حقیقت هیچ فرقی با دروغ گفتن ندارد.

راستگویی به یکدیگر، نتیجه و ثمره مهمی را به بار خواهد آورد و آن ایجاد فضای اعتماد است. وجود و تحکیم و حفظ جو اعتماد

دیگران را نیز به نوعی کمک کنیم. بلی، با کمک قدرت عجیب مسیح، دزد دیروزی، مبدل به شخص نیکوکاری خواهد شد!

۲۹ سومین مثال از نحوه زندگی گذشته، **سخن بد** است. در سایه زندگی جدید و تازه شدن ذهن به کمک روح القدس، به عوض سخنان بد، کلماتی از دهان ما خارج خواهد شد که **بحسب حاجت و برای بنا نیکو باشد تا شنوندگان را فیض رسانند**. باشد که آنچه می‌گوییم با این مبنا بسنجیم که آیا سخنان امروز ما باعث فیض و بنای دیگران بوده است یا اینکه کسی را تضعیف و تخریب کرده‌ایم؟ آیا دیگران از دهان ما فیض و استفاده برده‌اند یا نه؟ اگر نمی‌توانیم دیگران را فیض برسانیم، باید دهان خود را ببندیم و سکوت کنیم!

۳۰ مثال دیگر از زندگی کهنه، در واقع جمع‌بندی تمامی خصوصیات زندگی کهنه و انسانیت آلوده به گناه است. پولس این را «محزون ساختن روح القدس» می‌نامد. می‌گوید: **روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده‌اید، محزون مسازید**. هر گاه که مرتکب گناهی می‌شویم، روح القدس را محزون می‌سازیم، یعنی اینکه باعث ناراحت کردن و تأسف و توهین به روح القدس خواهیم شد. روح القدس با هر عمل غیرمقدس و گناه‌آلود ما دچار حزن خواهد شد.

هر زمان که روح القدس را دچار حزن کردیم، او خویشتن را از ما دورتر می‌سازد. و هرگاه خوشی خود را از دست دادیم و یا احساس کردیم که زندگیمان از برکت و حیات روحانی خالی شده است، به احتمال قوی روح القدس را محزون ساخته‌ایم (اشعیای نبی ۱۰:۶۳). ولی باید به یاد بیاوریم که خداوند ما را با روح خود مختوم کرده است (افسیان ۱:۱۳). در اینجا پولس بار دیگر یادآور می‌شود که ما به وسیله روح القدس مختوم شده‌ایم. خدا ما را با روح القدس، مهر کرده است و این مهر و

است که از عصبانیت ما برای انداختن ما به دام گناه بهره‌جویی کند. زمانی که عصبانی هستیم، به طور طبیعی بر ضد طرف مقابل سخن خواهیم گفت. نتیجه این خواهد شد که دیگران سخنان منفی ما را خواهند شنید و به این ترتیب، کلمات و احساسات خالی از محبت را به این سو و آن سو پخش خواهیم کرد. شیطان از این کار ما بسیار خوشحال می‌شود، زیرا اگر به عصبانیت خود ادامه دهیم، چیزی نخواهد گذشت که بسیاری از اطرافیانمان را بر ضد طرف مقابل می‌شورانیم و به این ترتیب سلامتی کلیسا را به خطر می‌اندازیم. و این مؤثرترین حربه شیطان جهت ایجاد اختلاف در کلیسا می‌باشد.

نه تنها سخن چینی و تهمت زدن به دیگران بد است؛ بلکه گوش دادن به افراد سخن چین و غیبت کننده نیز به همان اندازه مضر و پلید می‌باشد. اگر در باره کسی سخن بدی به زبان بیاوریم، حتی اگر آن سخن راست هم باشد، غیبت کرده‌ایم. و اگر آن سخنان دروغ باشد آن کار ما دیگر غیبت نبوده بلکه تهمت دروغ می‌باشد که هر دو آنها گناه محسوب می‌گردد (رومیان ۱:۳۰؛ اول قرنتیان ۵:۱۱؛ افسسیان ۴:۳۱). شیطان همیشه در پی این است که از اسلحه غیبت و تهمت، جهت تخریب کلیسا استفاده جوید. **ابلیس را مجال ندهید**.

۲۸ دومین مثال از رفتارهای گذشته انسانیت کهنه، **دزدی** می‌باشد. ترک کردن دزدی، به خودی خود کار خوبی است ولی کافی نیست! در زندگی تازه، جایی برای تنبلی وجود ندارد. با بیرون کردن آن رفتار کهنه، شخص مسیحی باید لباس نورا پوشیده به جای دزدی، **با دستهای خود کار نیکو کرده، زحمت بکشد تا بتواند نیازمندی را چیزی دهد**. ما نه تنها باید برای رفع نیازهای خانواده خود کار کنیم، بلکه باید در پی آن باشیم که با کار و کوشش خود،

حتی صحبتی از این گناهان نباید در میان کلیسای ایشان وجود داشته باشد.

از آنجا که ما فرزندان خدائیم، خدا ما را مقدس و پاک ساخته است. لذا باید زندگی و رفتارمان پاک و مقدس باشد. پس هرگاه به انجام عمل ناپاکی و سوسه شدیم، باید بلافاصله هویت خود و فرزندخواندگی خود را به خاطر بیاوریم. فرزندان خدا باید مقدس باشند، همانطور که پدر آسمانی ما مقدس است. اگر به این حقیقت، در ذهن و قلب خود ایمان داشته باشیم. توانایی ایستادن و مقاومت در برابر و سوسه‌ها را پیدا خواهیم کرد. خدا به ما می‌گوید: «تو فرزند من هستی، پس به طرز شایسته یک فرزند خدا رفتار کن» (دوم قرنتیان ۶: ۱۷-۱۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۴ مسیحیان نباید خود را درگیر قباحث و بیهوده‌گویی و چرب‌زبانی نمایند. ایمانداران باید از شوخی‌های رکیک و ناپاک و یا کلمات گستاخانه و توهین‌آمیز و تحقیرکننده پرهیز نمایند. شوخی‌هایی که یک قوم و قبیله و یا طبقه‌ای از انسانها را تحقیر می‌کند، شایسته لبها و زبان یک مسیحی نمی‌باشد. در موقع شوخی کردن و مزه‌پرانی باید مواظب باشیم که شوخی و خنده‌هایمان را پاک نگاه داریم. پولس نمی‌گوید که مسیحیان همیشه باید اخمو و جدی باشند، ولی به هنگام شوخی و خنده، می‌توان پاکی و احترام و نیکویی را رعایت کرد. در این آیه، پولس ما مسیحیان را از به زبان آوردن کلمات رکیک و ناشایست بر حذر می‌دارد. خدا تمامی کلماتی را که از لبان ما جاری می‌شود به حساب خواهد آورد (متی ۱۲: ۳۶-۳۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید). پس بهتر است که به عوض گفتگوهای بی‌فایده و زیانبار و کثیف، وقت و نیروی خود را صرف

مختوم‌شدگی **تاروز رستگاری**^{۱۹} با ما خواهد ماند. مختوم‌شدگی ما با روح‌القدس، برگه ورود ما به بهشت است. پس سعی کنیم که این برگه ورود را از دست ندهیم!

۳۱-۳۲ در آیه ۳۱، پولس مثالهای دیگری از زندگی کهنه به ما نشان می‌دهد و در آیه ۳۲ نمونه‌هایی از رفتار حیات جدید را به نمایش می‌گذارد (کولسیان ۳: ۱۲-۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

خدا ما را در حالی که هنوز گناهکار بودیم محبت نمود (رومیان ۵: ۸) و تفسیر آن را مشاهده کنید) و به خاطر مسیح، گناهان ما را بخشید. ولی عیسی به ما هشدار داده است که اگر گناهان دیگران را نبخشیم، خدا ما را نخواهد بخشید (متی ۶: ۱۲، ۱۴-۱۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید). باشد که این هشدار مسیح را جدی بگیریم!

باب ۵

طرز زندگی فرزندان نور (۵: ۱-۲۱)

۱-۲ همانطور که مسیح نسبت به ما با محبت رفتار کرده است، ما نیز باید این کار خوب خدا را تقلید کرده، نسبت به برادران و خواهران خود رویه محبت و فیض پیشه کنیم. همانگونه که مسیح ما را محبت کرد، ما نیز باید دیگران را محبت نماییم. بزرگترین نشانه محبت مسیح این بود که او **خویشتن را برای ما به خدا هدیه و قربانی برای عطر خوشبوی گذراند.** پس همانگونه که عیسی جانفشانه ما را محبت نمود و خود را برای ما داد، ما نیز باید زندگی خود را در راه دیگران بنهیم و خود را به عنوان قربانی زنده به خدا تقدیم داریم (رومیان ۱۲: ۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۳ در این آیه پولس رسول به **زنا و هر ناپاکی و طمع** اشاره می‌کند. او به افسسیان نمی‌گوید که از این کارها کناره‌گیری کنند. بلکه با لحنی مؤکد به آنها می‌گوید که هیچ نشانه و

۱۹- جهت مطالعه بیشتر در باره «رستگاری»

افسیان ۷: ۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

بی‌گناه نمی‌باشیم (اول یوحنا ۱:۸). ولی اگر بلافاصله از گناه خود توبه کنیم، خدا ما را خواهد بخشید و غضب او شامل حال ما نخواهد گردید (امثال ۱۳:۲۸؛ اول یوحنا ۱:۹). ولی غضب و داوری خدا مشمول همه کسانی که از گناهان خود توبه نمی‌کنند، و به نافرمانی از خدا ادامه می‌دهند، خواهد شد.

آن کسانی که شرارت می‌ورزند، اغلب مسیحیان را به گناه و نافرمانی از خدا ترغیب می‌نمایند. پیش از ایمان آوردن به مسیح، ما نیز گناهکار و نافرمان بودیم و همان گناهان را مرتکب می‌شدیم. پس از ایمان به مسیح، دوستان سابقمان، ما را به بازگشتن به راههای گذشته ترغیب و تشویق می‌کنند و از ما می‌خواهند که مانند قبل، در بزمها و تخلفات پیشین رفتار کنیم. ما باید خود را از اعمال ظلمت دور نگاه داریم. پولس رسول این چنین نتیجه‌گیری می‌کند: **پس با ایشان شریک مباشید** (آیه ۷).

۹-۸ شما بیشتر ظلمت بودید، یعنی اینکه شما بیشتر در تاریکی گناه زندگی می‌کردید. در افسسیان ۱۸:۴، پولس به وضعیت افراد گناهکار اشاره کرده بود که **در عقل خود تاریک هستند و از حیات خدا محروم، به سبب جهالتی که به جهت سخت‌دلی ایشان در ایشان است.**

عیسی مسیح، نور جهان است. هر کس که به دنبال او برود، در نور ساکن خواهد بود و از ظلمت نجات می‌یابد (یوحنا ۱:۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید). زمانی که از عیسی پیروی کنیم، نور او از طریق زندگی ما به اطراف ساطع خواهد شد. به همین دلیل است که پولس در آیه ۸ می‌گوید: **بیشتر در ظلمت بودید، لیکن الحال در خداوند نور می‌باشید.** ما فرزندان نور هستیم (یوحنا ۱:۲-۳۵؛ اول تسالونیکیان ۵:۵؛ اول پطرس ۲:۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۰ ما مسیحیان وظیفه داریم که کارهای نیک انجام دهیم ولی دلیل ما برای انجام کارهای

گفت و شنودهای ثمر بار و پاک و بناکننده کنیم. بهتر است که به جای به زبان آوردن کلمات بد، خداوندمان را به خاطر فیض و محبت عظیمش و تمامی نعماتی که به داده است، شکر گوئیم.

۵ شخص طماع در حقیقت بت پرست است. شخص طمع‌کار، پول و مال دنیا را به جای خدا مورد پرستش قرار می‌دهد. برای فرد طماع، پول و اموال، مبدل به خدا گردیده‌اند (اول یوحنا ۵:۲۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

هیچ زانی یا ناپاک یا طماع که بت پرست باشد، میراثی در ملکوت مسیح و خدا ندارد (اول قرنثیان ۶:۹-۱۱؛ غلاطیان ۵:۱۹-۲۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ایمانداران به مسیح نباید خود را در این چنین اعمال ناشایسته درگیر نمایند، زیرا که در این صورت ممکن است که میراث خود را در ملکوت خدا از کف بدهند (متی ۲۱:۷؛ اول یوحنا ۲:۱۵-۱۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۶-۷ ممکن است که افراد بی‌ایمان این جهان به وسیله **سخنان باطل**، در پی فریب دادن ما باشند. آنها ممکن است بگویند: «این کار که گناه نیست» و یا «انجام آن عمل و گفتن آن سخن، مانعی ندارد!». ممکن است دوستان بی‌ایمان ما بگویند: «گناهان کوچک زیاد به حساب نمی‌آید و دروغ مصلحت‌آمیز بی‌مانع است!»

ولی این سخنان کاملاً بی‌پایه و اساس می‌باشند. گناه، مسئله‌ای بسیار جدی و مهلک است. زمانی که گناه می‌کنیم، خود را تحت **غضب خدا** قرار می‌دهیم. گناهان ما عواقب جبران‌ناپذیری را در پی خواهند داشت. خدا همه را اعم از ایماندار و بی‌ایمان مورد داوری نهایی قرار خواهد داد (رومیان ۱۴:۱۲؛ دوم قرنثیان ۵:۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید). بنابراین، مواظب باشیم که فریب سخنان باطل را نخوریم.

ولی با این همه، مسیحیان گهگاه مرتکب گناه می‌شوند، هیچ یک از ما انسانها کاملاً

مسیح با گناهکاران نشست و برخاست می‌کرد و با آنها غذا می‌خورد (مرقس ۲: ۱۵-۱۷؛ اول قرنتیان ۵: ۹-۱۱؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۴-۱۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۲ بعضی اعمال شرارت‌آمیز افراد آنقدر بد و پلید است که حتی به زبان آوردنشان نیز، مایه شرم و قبیح است.

۱۳-۱۴ در آیه ۱۴، پولس شعری از ادبیات رایج زمان خود را نقل می‌کند. شخص **خواهیده** کسی است که در گناهان خود مُرده است (رومان ۱۳: ۱۱؛ افسسیان ۲: ۲).

۱۵ **پس باخبر باشید که چگونه به دقت رفتار نمایید.** مهمترین مسئله ما این است که نحوه زندگی ما باید چگونه باشد. ما باید مراقب باشیم و با حکمت زندگی کنیم. زیرا که فقط نادانان و احمقان هستند که به نحوه زندگی خود اهمیت نمی‌دهند!

۱۶ پولس نصیحت می‌کند که **وقت را دریابید.** یعنی اینکه از لحظات و فرصتهایی که خدا در اختیارمان قرار می‌دهد، کمال استفاده را بکنیم. ما نباید هیچ فرصتی را برای خدمت کردن به خدا و خشنود ساختن او از دست بدهیم. زیرا گذشته هرگز بر نمی‌گردد و فرصت از کف رفته دیگر به چنگ نمی‌آید (ممکن است که فرصت دیگری نصیب ما شود، ولی آن فرصتی را که از کف داده‌ایم هرگز تکرار نمی‌شود). انسان حکیم، همیشه در پی این است که از اندک فرصتی برای خدمت به خدا مدد جوید. فرصتها، هدیه خدا می‌باشند و ما نباید برکات خداوندی را هدر نماییم.

آیا امروز از وقت خود به طور حکیمانه استفاده کرده‌ایم؟ یک روز، خدا حساب این اوقات را از ما پس خواهد گرفت.

چرا باید مواظب وقت و نحوه زندگی خود باشیم؟ پاسخ پولس به قرار زیر است: **زیرا این روزها شریر است.** روزهای زندگی ما، مملو از تلخی، غم و درد است. در زمان پولس،

نیک، ترس و وحشت از عذاب آینده نمی‌باشد. بلکه انگیزه ما جهت انجام کارهای نیکو، محبت ما نسبت به خدا و در نتیجه احساس قدردانی نسبت به فیض و محبت مسیح به ما است. ما فرزندان خدائیم و مانند اطفال خوبی هستیم که جهت راضی ساختن و خشنود نمودن پدر آسمانی خود، او را با دل و جان اطاعت می‌نماییم. چه چیزی باعث خشنودی پدر آسمانی ما می‌گردد؟ اینکه ما فرزندانمان، از راههای ظلمت دوری نموده در نور مسیح سلوک کنیم. ما باید که با کمک نوری که در درون ماست، اعمال ظلمت را باطل کرده آنها را **مذمت کنیم** (آیه ۱۱). افراد شریر و گناهکار، در خفا و تاریکی زندگی می‌کنند و نمی‌خواهند که در نور بیایند، مبادا دیگران اعمال زشت ایشان را دیده آنها را محکوم نمایند (یوحنا ۳: ۱۹-۲۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۱ **در اعمال بی‌ثمر ظلمت شریک مباشید بلکه آنها را مذمت کنید.** برای مذمت کردن اعمال ظلمت چه باید کرد؟ کافی است که بگذاریم که نور ما بدرخشد و نور مسیح که در ما است و اعمال عدالت ما، خود به خود اعمال تاریکی را آشکار ساخته، مورد مذمت قرار خواهد داد. و البته، لازم است که نه تنها با اعمالمان بلکه با صدای بلند بر علیه شرارت و پلیدی و گناه سخن بگوییم. گاهی لازم است که به کمک کلام راستی، اعمال شرارت‌بار سیاهی را مذمت کنیم. ولی در اغلب مواقع، فقط کافی است که بگذاریم نور مسیح در ما بدرخشد، اعمال ظلمت و شیطان از نور ما خواهند گریخت.

توجه کنید که پولس هشدار می‌دهد که ما نباید با «اعمال ظلمت» شریک شویم. این عدم شراکت با اعمال ظلمت، به این معنا نیست که ما خود را از افراد بی‌ایمان به طور کامل جدا کنیم. بعضی از مسیحیان می‌خواهند که خود را به طور کامل از بی‌ایمانان و دیگران جدا کنند. ولی منظور پولس از این آیه این نیست. عیسی

خواهیم بُرد و شنیدن صدای روح القدس برایمان آسانتر خواهد گردید. برای مثال، کتاب مقدس، نام همسر آینده ما را به ما نمی‌گوید. ولی کلام خدا به ما می‌گوید که نباید با افراد غیرمسیحی ازدواج کنیم (دوم قرنتیان ۱۴:۶).

به کمک مطالعه کلام خدا، دعا و مشورت با افراد روحانی و بالغ، و تفکر و استفاده از مغز و دانشی که خدا به ما داده است، قادر به شناسایی اراده خدا برای زندگی خود خواهیم بود. خدا به ما قدرت تفکر و استدلال داده است. او با ما مانند اسب و قاطر رفتار نمی‌کند. او به ما دهنه و لگام و افسار نمی‌زند و ما را آنگونه هدایت نمی‌کند (مزمور ۳۲:۸-۹). برعکس، خداوند مهربان به ما حکمت و تعقل داده است و از ما می‌خواهد که به کمک نیروی استدلال و عقل خود، اراده او را درک نماییم.

۱۸ مسیحیان نباید **مست شراب**، یا هر گونه نوشیدنی الکلی دیگر بشوند. پولس نمی‌گوید که مسیحیان باید از الکل دوری نمایند (مزمور ۱۰۴:۱۵). برعکس او می‌گوید که ما اجازه مست شدن را نداریم^{۲۱}. حتی حالت مستی خفیف هم برای یک فرد مسیحی، شایسته نمی‌باشد. خدا به افرادی که در نوشیدن مشروبات زیاده‌روی می‌کنند می‌گوید: **مست شراب مشوید که در آن فجور است**. مستی گناه است. و بدتر از آن، زمانی که فردی مست می‌شود، در حالت مستی، ممکن است مرتکب

۲۰- اگر والدینمان مسیحی نباشند و یا مشورتشان با کلام خدا مغایرت داشته باشد، آن مشورت را نباید قبول نمود.

۲۱- ممکن است که خدا بعضی از مسیحیان را به خودداری کامل از نوشیدن مواد الکلی هدایت کند (لوقا ۱۵:۱). اگر در مقابل الکل ضعیف هستید و یا ممکن است در نوشیدن شراب، زیاده روی و افراط کنید، بهتر است که به کلی از نوشیدن مواد الکلی خودداری نمایید.

مسیحیان تحت فشار و ناراحتی و جفا بودند، بسیاری به زندان افکنده می‌شدند و زیر انواع شکنجه‌ها جان می‌سپردند. لذا، پولس می‌گوید: مادامی که فرصت باقی است، خدا و انجیل را خدمت کنید. مادامی که فرصت باقی است، خدا و همسایه خود را محبت کنیم (یوحنا ۴:۹).

۱۷ پولس می‌گوید: **از این جهت بی‌فهم مباشید، بلکه بفهمید که اراده خداوند چیست**. اولین گام در راه درک اراده خدا، داشتن ترس او در دل است. **ترس خدا آغاز علم است** (امثال ۷:۱). فرد جاهل و احمق، نه از خدا می‌ترسد و نه برای اراده خدا اهمیتی قائل است.

چگونه می‌توان به اراده خدا پی بُرد؟ چگونه می‌شود از اراده خداوند با خبر شد؟ اراده خدا بر دو قسم است. اول «اراده عمومی» خدا می‌باشد و دوم «اراده خاص» خدا است. هر ایمان‌داری باید از اراده عمومی خدا اطاعت کند. او می‌خواهد که ما مقدس باشیم و هر روز بیش از روز قبل به شباهت مسیح در آئیم. با مطالعه کتاب مقدس، کلام خدا، از اراده عمومی خدا آگاه خواهیم شد.

قسمت دوم، شامل اراده مشخص و یا اراده خاص خدا می‌شود. خدا برای هر یک از ما اراده خاص و نقشه مشخصی دارد. نقشه او برای هر یک از ما متفاوت است. و شامل مسائلی از قبیل همسریابی، انتخاب شغل، و از این قبیل موارد خاص و فردی می‌گردد. از اراده خاص خدا به وسیله مطالعه کلام نمی‌توان با خبر شد. پس چگونه از اراده خاص خدا اطلاع پیدا کنیم؟ اولین گام در راه درک اراده خدا، دعا کردن است. زیرا در حین دعا توانایی شنیدن صدای روح القدس را پیدا خواهیم کرد. سپس، با کسب مشورت از شبان و یا والدینمان^{۲۰} و یا افراد مسیحی بالغ و مورد اطمینان، از اراده خدا با خبر خواهیم گردید. و سومین کار مطالعه دقیق و هر روزه کتاب مقدس است. زیرا که با مطالعه کلام خدا، بهتر و بیشتر به اراده عمومی او پی

گناهان دیگری نیز گردد. و بدتر از همه، جنبه اعتیادآور مشروبات الکلی است که بسیاری را در چنگال خود اسیر می‌سازد.

مردم برای فراموش کردن غمها و یا خوشگذرانی، مشروب می‌نوشند. ولی، این فراموشی و یا وقت خوش، بسیار موقتی و گذرا است. افراد دائم‌الخمر، برای این خوشی موقت خود، بهای گزافی پرداخت می‌کنند. چه بسیار خانواده‌ها که به سبب الکل از هم پاشیده نشده است و چه زیانهای مادی، جسمی و معنوی که نوشیدن الکل بار نیاورده است. حال آنکه یک راه مطمئن به جهت یافتن خوشی دائم وجود دارد و آن ایمان به عیسی مسیح و پُرگشتن از روح القدس است: **بلکه از روح پُر شوید**^{۲۲}. این صرفاً پیشنهادی از سوی خدا نیست، بلکه دستوری از جانب او می‌باشد. پولس می‌گوید که ما باید هر روز و هر ساعت، امروز و فردا و هفته آینده و ماه آینده و تمام مدت عمر خود از روح القدس پُر گردیم.

چگونه می‌توان فهمید که از روح القدس پُر گشته‌ایم؟ جواب این سؤال آسان است. زمانی از وجود روح القدس در زندگی خود مطمئن می‌شویم که ثمره روح القدس یعنی **محبت و خوشی و سلامتی و حالم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری** را در زندگی خود ببینیم (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳).

شخصی که پُر از شراب است، تحت کنترل و هدایت الکل می‌باشد ولی کسی که پُر از روح القدس باشد، زیر بیرق روح القدس و تحت امر و هدایت خداوند است. انسان مست، قدرت کنترل اعمال و واکنش‌های خود را ندارد، ولی ثمره روح القدس، پرهیزکاری و کنترل نفس است. از کسی که تحت امر و زیر نفوذ روح القدس باشد، هرگز اطوار ناپسند و ناشایسته افراد مست سر نخواهد زد.

۱۹ روح القدس ما را به شادی واقعی و حقیقی هدایت می‌کند. شخص مست،

سرودهای مستانه و نامفهوم می‌خواند. ولی کسی که از روح القدس پُرگشته است، دهان خود را به شکرگزاری و حمد و پرستش خدا باز می‌کند. کسانی که از روح القدس پُرگشته باشند **با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفتگو** می‌کنند و در خداوند شادمان خواهند بود (کولسیان ۳: ۱۶).

۲۰ ما باید **پیوسته به جهت هر چیز خدا** را شکر گوئیم. آیا این بدان معنی است که به خاطر اتفاقات ناگوار و سختی‌ها و مشکلات و غمها و بیماری‌ها نیز باید شکرگزاری کرد؟ بلی! ما باید خدا را **به جهت هر چیز** شکر گوئیم. چرا؟ زیرا که خدا، پدر مهربان ماست. مهم نیست که الان در چه وضعیت مشکل و دردناکی قرار داریم، آنچه که اهمیت دارد این است که خدا، پدر آسمانی ما پادشاه کل جهان است و بر همه چیز تسلط دارد. این سختی‌های امروز، شخصیت و ایمان ما را در خداوند بنا خواهد کرد. و خدای مهربان، در آخر امر از همه چیز برای خیریت ما استفاده خواهد نمود (رومیان ۸: ۲۸) و تفسیر آن را مشاهده کنید). به این دلیل است که باید در هر چیز خدا را شکر کنیم.

۲۱ اکثر بحث‌ها و جدالهای درون کلیسا، به این خاطر است که می‌خواهیم دیگران را مطیع خواست و اراده خودمان کنیم. بنابراین، به جای آنکه در پی آن باشیم که دیگران را تحت امر خود بیاوریم، بایستی که خویشتن را مطیع دستورات دیگران کنیم! در این حالت، دیگر موردی جهت بحث و اختلاف پیش نخواهد آمد. عیسی مسیح با شستن پای شاگردانش، نحوه اطاعت و خدمت را به ما نشان داد و برای ما سرمشق گردید (یوحنا ۱۳: ۱۲-۱۵) و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲۲- متن اصلی یونانی حالت مستمر دارد و ترجمه

دقیق‌تر آن به قرار زیر است: «دائماً و به طور مداوم از روح پُر شوید».

زنان و شوهران (۲۲:۵-۳۳).

۲۲ در رابطه زناشویی و روابط خانوادگی میان زن و مرد، خدا به شوهران اقتدار ویژه‌ای عطا فرموده است. به همین ترتیب، در رابطه میان والدین و فرزندان، این والدین هستند که باید مورد اطاعت قرار گیرند (افسیان ۱:۶). و باز اراده خدا بر این قرار دارد که در رابطه کارگر و کارفرما، کارفرمایان مورد اطاعت قرار گیرند (افسیان ۵:۶). در هر یک از این روابط، یعنی زن و شوهر، والدین و فرزندان و کارگر و کارفرما، طرفین در نظر خدا مساوی می‌باشند. ولی خداوند اقتدار و ریاست و میزان مسئولیت مساوی به آنها محول ننموده است. پولس نمی‌گوید که مردها از همسرانشان بهتر می‌باشند؛ بلکه او فقط می‌گوید که شوهران نسبت به زنان خود از اقتدار و موقعیت بالاتری برخوردار می‌باشند (بخش مقاله عمومی: «ازدواج مسیحی» را مشاهده کنید).

پولس می‌گوید که زنان بایستی شوهران خود را اطاعت کنند. این امر، صرفاً برای خوشایند شوهران نیست بلکه اطاعت زن از شوهر، باعث ثبات و ایجاد محیط خوب و سالمی جهت کل خانواده خواهد شد. تسلط شوهر، باعث ایجاد صلح و صفا و آرامش و امنیت در خانواده خواهد گردید. شوهران به هیچ وجه اجازه بدرفتاری با همسران خود یا سوءاستفاده از موقعیت خود را ندارند. برعکس رفتار او باید توأم با محبت و رحمت و ملاحظت باشد. همانگونه که مسیح کلیسایش را محبت نموده، شوهران نیز باید همسران خود را محبت کنند. اقتداری که خدا به شوهران داده است، بایستی جهت بنای همسران به کار گرفته شود.

۲۳-۲۴ همانطور که مسیح سر کلیسا و رئیس آن می‌باشد. شوهر نیز سر همسر خود است. و همانگونه که ما ایمانداران در زیر سایه و اقتدار مسیح می‌باشیم، به همان ترتیب، زنان نیز باید در زیر لوا و اطاعت شوهران خود باشند

(کولسیان ۳:۱۸؛ اول پطرس ۳:۱-۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید). زیرا قدرت شوهر از سوی خودش نیست بلکه آن را از مسیح یافته است. به همین جهت، زنان باید بتوانند که مسیح را در رفتار شوهر خود تشخیص داده به خاطر وجود مسیح در شوهرشان از او اطاعت کنند.

به یاد داشته باشیم که زنان در زیر اقتدار شوهران خود هستند و هیچ مرد دیگری حق امر و نهی کردن به زنان را ندارد. وانگهی، زنان نباید به عنوان مایملک و یا کنیز و خدمتکار خانه تلقی گردند، بلکه در نزد خدا، زن و شوهر با هم به یک اندازه عزیز و ارزشمند می‌باشند. هیچ کس حق ندارد همسر خود را تحقیر کند و یا با زن خود بدرفتاری نماید. بلکه، شوهران باید زنان خود را مانند بدن خود دوست بدارند و آنها را عزت و ارجح نهند (افسیان ۵:۲۸؛ اول پطرس ۳:۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که عکس‌العمل زنی که شوهری بدطینت و شریر دارد چه خواهد بود؟ فرض کنیم شوهری هر شب مست می‌کند و زنش را کتک می‌زند و یا او را وادار به کارهایی می‌کند که خلاف کلام خداست. آیا زن موظف است که از شوهر خود اطاعت نماید؟ البته که نه! یک زن موظف نیست که از دستورات غیرشرعی و غیراخلاقی شوهر شرور خود پیروی نماید. باید به یاد داشته باشیم که اقتدار شوهر بر زن، از سوی خدا داده شده است و اگر رفتار شوهر با معیارهای خدا منطبق نباشد، زن موظف به اطاعت از او نخواهد بود. در آن گونه موارد، زنان موظف هستند که به جای اطاعت از شوهر خود از کلام خدا اطاعت نمایند.

همین اصل در روابط میان والدین و فرزندان و کارگر و کارفرمایان و اتباع یک مملکت و قانون آن کشور، صادق می‌باشد. مادامی که رؤسا و مسئولین، خواه پدر و مادر باشد و خواه کارفرما و یا حاکم و پادشاه مملکت، از خدا

کتاب مقدس و کلام خدا است (یوحنا ۳:۱۵) را مشاهده کنید). مسیح مشتاق است که کلیسایش را به نزد خود حاضر سازد که لکه و چین یا هیچ چیز مثل آن نداشته باشد، بلکه تا مقدس و بی عیب باشد (آیه ۲۷).

۲۸-۲۹ در اینجا پولس رسول به طریق دیگری که مردان باید همسران خود را محبت کنند می‌پردازد. می‌گوید: **مردان زنان خویش را مثل بدن خود محبت نمایند زیرا هر که زوجه خود را محبت نماید خویشن را محبت می‌نماید.** پس از ازدواج، زن و شوهر یکتا می‌شوند (آیه ۳۱)؛ پس مرد موظف است که همسر خود را مانند بدن خویش محبت کند. همانطور که هر کس بدن خود را دوست دارد، به همان ترتیب نیز باید همسر خویش را محبت نماید.

۳۰ همانگونه که ما اعضای بدن خود را دوست داشته از بدن خود مراقبت می‌نماییم، مسیح نیز از اعضای بدن خود (کلیسا) مواظبت و مراقبت می‌نماید.

۳۱-۳۳ در اینجا، پولس از پیدایش ۲۴:۲ نقل قول می‌کند. در آن آیه، خدا قانون ازدواج بین مرد و زن را بنیاد نهاد. اتحاد و پیمان زناشویی میان مرد و زن، نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین رابطه میان دو انسان می‌باشد و حتی از رابطه نزدیک میان مادر و فرزند قوی‌تر است ^{۲۴}.

همانطور که مرد، پدر و مادر خود را ترک می‌کند و به زوجه خود می‌پیوندد، مسیح هم به یک معنا، پدر آسمانی خود را رها کرد و به زمین آمد تا با عروس خویش، کلیسا متحد گردد. باشد که در بین زنها و شوهرانشان اینگونه

اطاعت کنند، دستوراتشان لازم‌الاجرا خواهد بود (آیه ۲۴). ولی اگر آنها از ما خواسته باشند که از فرامین خدا سرپیچی نماییم و دستورات الهی را زیر پا بگذاریم؛ آنگاه ما دیگر مجبور به اطاعت از آنها نخواهیم بود. زیرا که فرمان خدا همیشه بالاتر از حکم انسانها است (اعمال ۴:۱۸-۲۰؛ رومیان ۱:۱۳-۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲۵ توجه کنید که در آیات ۲۲-۲۴، پولس در باره وظایف زن سخن گفت و ایشان را به اطاعت از شوهران خود ترغیب و تشویق نمود. اینک در آیات ۲۵-۲۸، پولس رسول در باره حدود وظایف شوهران نسبت به زنان خود سخن می‌گوید. پولس می‌گوید که وظیفه اصلی شوهر نسبت به زن خود این است که او را دوست بدارد! ولی این محبت باید چگونه باشد؟ پولس جواب می‌دهد: **ای شوهران زنان خود را محبت نمایید چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشن را برای آن داد.** شوهران باید حاضر باشند که جان خود را برای همسران خود تقدیم کنند، همانگونه که مسیح جان خود را در راه کلیسا نهاد. توجه کنید که شوهر وظیفه‌ای به مراتب مهم‌تر و مشکل‌تر به عهده دارد. او موظف است که در راه محبت نمودن به همسر خود، به انواع فداکاری و از خودگذشتگی دست بزند (کولسیان ۳:۱۹).

۲۶-۲۷ رابطه بین مسیح و کلیسا را می‌توان به پیوند میان زن و شوهر تشبیه نمود. پولس به کلیسای قرن‌تین چنین نوشته بود: **شما را به یک شوهر نامزد ساختیم تا با کراهی عقیقه به مسیح سپارم** (دوم قرن‌تین ۲:۱۱).

مسیح کلیسای خود را علی‌رغم تمام نواقص و مسائلی که در آن هست، محبت می‌کند. ولی از این بیشتر، او نه تنها عروس خود، کلیسا، را محبت می‌کند، بلکه او کلیسای خود را به غسل آب ^{۲۳} و به وسیله کلام ظاهر ساخته تقدیس نموده است. در اینجا منظور از «کلام»،

۲۳- جهت اطلاع بیشتر در مورد نقش غسل تعمید در برطرف ساختن گناهان، مقاله عمومی: «تعمید آب» را مشاهده کنید.

۲۴- مادر و فرزندش، دو تن و دو جسم متفاوت می‌باشند، ولی زن و مرد یکتا خواهند شد.

والدین باید فرزندان خود را به **تأدیب و نصیحت خداوند تربیت** نمایند. باید به فرزندان خود نحوه اطاعت کردن را آموزش دهند، تا اینکه زمانی که آنها بزرگ شدند، بتوانند خدا را اطاعت و خدمت نمایند (امثال ۲۲:۶).

علاوه بر آن، وظیفه دیگر والدین این است که آنها را محبت کنند و با ملایمت با فرزندان خود رفتار نمایند. آنها باید اطفال خود را با نرمی تأدیب کنند. پولس به والدین نصیحت کرده می‌گوید: **و ای پدران، فرزندان خود را به خشم میاورید.** والدین نباید بی‌سبب کودکان خود را توبیخ کنند و یا بی‌دلیل آنها را تنبیه نمایند. والدین نباید بی‌دلیل باعث خشم و عصبانیت اطفال خود گردند. بلی لازم است که فرزندان خود را به نحو احسن تربیت نماییم، ولی هدف ما از این تأدیب و نصیحت، باید همیشه منفعت آینده اطفال را به دنبال داشته باشد. ما باید آنها را با محبت تنبیه کنیم، محبت و تأدیب همیشه باید همراه یکدیگر باشند. ما باید پیش از تنبیه کردن آنها، خطای ایشان را به آنها توضیح دهیم و آنها باید بدانند که برای چه تنبیه می‌شوند. گذشته از این، زمان تنبیه کردن اطفال باید مواظب باشیم که آنها را بیش حد تنبیه نکنیم، مبادا که به طور ناخواسته، باعث صدمه جسمی و روحی و روانی کودک خود گردیم. همچنین باید مراقب باشیم که هرگز کودکان خود را در حین عصبانیت و خشم تنبیه نکنیم. اگر از عمل فرزند خود به خشم آمده‌ایم، باید ابتدا صبر کنیم و زمانی که آتش عصبانیتمان فرو نشست آنگاه کودک را تأدیب نماییم (کولسیان ۳:۲۱). به همانگونه که اقتدار مرد بر زن برای منفعت و بهی زنان است، به همین ترتیب نیز، اقتدار والدین بر فرزندان خود، باید به جهت بهبود و منفعت فرزندان باشد (تثنیه ۶:۶-۷؛ دوم قرتیان ۱۲:۱۴؛ اول تیموتائوس ۳:۴؛ تیطس ۲:۴).

رابطه‌ای برقرار گردد. یعنی اینکه، باشد که همانگونه که کلیسا از مسیح اطاعت می‌کند، زنان نیز از شوهران خود اطاعت کنند و همانگونه که مسیح جان خود را برای کلیسایش داد و عروس خود را آنگونه محبت کرد، مردان نیز همسران خود را به همان نحوه محبت نمایند. این بهترین ضمانت جهت داشتن یک ازدواج موفق است.

از این تشبیه کلیسا به عروس، نکته مهم دیگری نیز فرا می‌گیریم و آن مقام و رتبه مخصوص کلیسا در نزد مسیح می‌باشد. کلیسایی که از پیروی مسیح امتناع کند، مانند زنی است که به شوهر خود خیانت می‌کند و مرتکب زنا می‌شود. باشد که کلیسای ما، عروسی همیشه پاک و وفادار باقی بماند.

باب ۶

والدین و فرزندان (۶:۱-۴)

۱ این آیه عمدتاً به اطفال کوچک و نابالغ مربوط می‌شود. پولس نمی‌گوید که فرزندان بالغ نیز باید از پدر و مادر خود اطاعت کنند. فرزندان کوچک و نابالغی که هنوز به والدین خود متکی می‌باشند، باید در همه امور از والدین خود اطاعت نمایند (امثال ۸:۳۲-۳۳؛ ۱۵:۵).

۲-۳ ولی صرف نظر از سن و موقعیت اقتصادی و اجتماعی مان، ما موظفیم که همیشه والدین خود را مورد احترام قرار داده، در صورت نیاز از آنها نگهداری کنیم. در عهدعتیق، فرمان پنجم از ده فرمان، اولین حکمی است که **با وعده** همراه می‌باشد (خروج ۲۰:۱۲؛ تثنیه ۵:۱۶). اگر این حکم را اطاعت کنیم، خدا وعده فرموده است که **تورا عاقبت باشد و عمر دراز بر زمین کنی** (آیه ۳).

۴ پس از اشاره به وظایف فرزندان نسبت به والدین، پولس به تعلیم پیرامون روابط والدین نسبت به فرزندان خود می‌پردازد.

غلامان و اربابان (۶:۵-۹)

۵ در قرن اول میلادی در امپراطوری روم، یعنی در زمان نگارش عهدجدید، برده‌داری امری بسیار رایج بود. رفتار ارباب با بردگان خود بسیار سخت و خشن و غیرانسانی بود. بردگان از هیچ نوع حق و حقوقی برخوردار نبودند و هیچگونه آزادی نداشتند. ایشان موظف بودند که از تمامی خواسته و دستورات اربابان خود بی‌چون و چرا اطاعت نمایند. در آن زمان، بسیاری از برده‌ها به مسیح ایمان آورده بودند و مژده سلامت و حیات جاوید و آزادی از گناهان را پذیرفته بودند.

هر چند موقعیت آنها بسیار بد و ناگوار بود، ولی پولس به آنها سفارش می‌کند که از اربابان خود اطاعت نمایند.

در جهان امروز، رسم برده‌داری تقریباً از میان رفته است. ولی اصول روابط میان برده و برده‌دار را می‌توان به محیط کار آورد و آن را به طرز رفتار متقابل کارگر و کارفرما بسط داد. کارگران مسیحی باید در محیط کار، همانطور که مسیح را اطاعت می‌کنند از کارفرمایان خود نیز اطاعت نمایند (کولسیان ۳:۲۲-۲۴).

۶ ما نباید به خاطر خوش آمد دیگران کارهای خوب انجام دهیم. بلکه هدف ما از انجام کارهای خوب، باید جلب رضایت خداوند باشد. ما باید با **سادهدلی** (آیه ۵) و از صمیم دل کار کنیم تا خدا را به وسیله کار و شغل خود خدمت نماییم.

۷-۸ کارفرما نیز باید بداند که اقتدار او هدیه‌ای از سوی خداست. **هیچ ممکن نیست که یهود باشد و یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یکت می‌باشید** (غلاطیان ۳:۲۸). همه مسیحیان در نزد خدا برابر می‌باشند. ممکن است که بر روی زمین و در روابط دنیوی، دارای رتبه‌های متفاوتی باشیم، ولی همه ما غلامان یک ارباب، یعنی خداوند هستیم (آیه ۹). خدا از ما دعوت‌های

متفاوتی نموده است، یکی ممکن است به خدمت کارفرمایی گمارده شود و دیگری به خدمت کارگری دعوت شده باشد^{۲۵}. پس باشد که از تصمیم خدا ناراحت نباشیم و شکایت نکنیم. به همان گونه که لازم است مسیح را بی‌چون و چرا اطاعت کنیم، باید از رؤسا و مسئولین امور سیاسی و رهبران کلیسا نیز اطاعت نماییم (تیطس ۲:۹-۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اگر با کمال میل از رؤسای خود اطاعت نماییم، خدا این کار ما را بی‌پاداش نخواهد گذاشت (متی ۱۶:۲۷؛ دوم قرنتیان ۵:۱۰ را مشاهده کنید).

۹ وظیفه کارگران این است که دستورات کارفرمایان خود را اجرا نمایند. اینک پولس پیرامون وظایف کارفرمایان صحبت می‌کند. کارفرمایان، بایستی در رابطه با نحوه رفتار با زیردستان خود، به یاد داشته باشند که خود ایشان در زیر امر و ریاست مسیح قرار دارند. کارفرمایان باید با احترام و عزت، با کارگران خود رفتار کنند. کارفرما باید دستمزدی منصفانه و مناسب به کارگران خود بدهد و کارگران خود را استعمار ننماید. باید به آنها مرخصی کافی، ساعات کار معقول و محیط کار سالم بدهد. کارفرمایان نباید که از کارگران به جهت ارضای هوسها و حرص خود برده‌کشی کنند. هر کارفرمایی بداند که خود او اربابی در آسمان دارد و باید به رئیس خود عیسی مسیح جوابگو باشد (کولسیان ۴:۱). همه ما، چه کارگر و چه کارفرما، غلامان مسیح هستیم و هر یک باید

۲۵- خدا به ما فرصت پیشرفت و ترقی را عطا می‌کند. ما مسیحیان باید از این فرصت‌های الهی جهت ترقی و پیشرفت خود کمال استفاده را بنماییم. ولی مهم‌ترین نکته این است: ما باید صرف نظر از هر چیز، دعوت خدا را برای زندگی خود بپذیریم. مبادا که بر علیه خدا و دعوت خدا، مقاومت و شکایت کنیم (اول قرنتیان ۷:۱۷-۲۴؛ ۱۰:۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

است، زره و وسیله مبارزه ما با ابلیس و دشمنان روحانی ماست.

۱۲ زندگی مسیحی را می‌توان در یک کلمه خلاصه نمود، و آن **کشتی** گرفتن و جنگ و مبارزه روحانی است. پس برای آنکه در این میدان مبارزه روحانی برنده شویم، ابتدا لازم است که لباس رزم را به تن کنیم و سلاح خود را بدست گیریم. دومین کاری که باید انجام دهیم این است که از قدرت و شیوه مبارزه دشمن آگاه شویم. هرگز مرتکب این اشتباه نشوید و فرض نکنید که شیطان ضعیف است. او بسیار قدرتمند می‌باشد. او به مراتب قویتر از ما می‌باشد و به همین دلیل است که ما در مبارزه خود با ابلیس باید از خدا کمک بگیریم.

ابلیس تنها نیست، او **ریاستها و قدرتها و جهان‌داران این ظلمت** را بر روی زمین و **فوجهای روحانی شرارت در جایهای آسمانی** را در اختیار خود دارد. اینها همان نیروهایی هستند که اینک در آسمان مغلوب عیسی مسیح شده‌اند (افسیان ۱: ۲۰-۲۱). اینها همان قدرتها و ریاستهایی هستند که خدا به وسیله کلیسا، حکمت خود را بر آنها آشکار می‌سازد (افسیان ۳: ۱۰). ولی اینک بر روی زمین، آنها هنوز از قدرت و قابلیت زیادی برخوردار می‌باشند. و ما بایستی با کمک نیروی خدا بر علیه آنها ایستادگی کنیم.

پس از پوشیدن لباس رزم، باید این حقایق را در باره دشمنان مان بدانیم: اول اینکه او روح می‌باشد و نامرئی است. دوم اینکه، همانطور که قبلاً اشاره کردیم او بسیار قوی می‌باشد. سوم اینکه، او بسیار شریر و بی‌رحم است. او رهبر تمامی **فوجهای روحانی شرارت** می‌باشد. در او هیچ نشانه‌ای از رحم و نیکویی دیده نمی‌شود. او تنها یک هدف دارد و آن نابودی زندگی روحانی ایمانداران به مسیح می‌باشد. چهارمین نکته‌ای که باید به خاطر داشت این است که شیطان بسیار مکار است. پطرس می‌گوید:

جواب اعمال خود را در پیش تخت داوری خدا بدهیم.

باشد که هر شخص در باره وظایف خود نسبت به دیگران تفکر کند. ما نباید در پی این باشیم که دیگران چه نفعی به ما خواهند رساند و یا از دیگران چه امتیازی حاصل خواهیم کرد. کارگر مسیحی در پی این نباشد که چقدر دستمزد می‌گیرد بلکه در فکر این باشد که چگونه با کار بهتر، خدا را خدمت کند. کارفرمای مسیحی نیز در فکر این نباشد که چگونه از کارگران خود حداکثر استفاده را بکند، بلکه به فکر خدمت به کارگران خود بوده، با خدمت به کارگران خود، عیسی مسیح را مورد خدمت و پرستش قرار دهد. این طریق مسیحی است. اگر هر یک از طرفین، سعی کنند که وظیفه مسیحی خود را به نحو احسن انجام دهد، دیگر در محیط کار، اختلاف، سودجویی، استثمار، اعتصابات کارگری و نارضایتی دیده نخواهد شد. زیرا خداوند ما عیسی مسیح به ما دستور داده است که نفع دیگران را بالاتر از منافع خود بدانیم.

اسلحه خدا (۶: ۱۰-۲۴)

۱۰ پولس می‌گوید: **خلاصه ای برادران من، در خداوند و در توانایی قوت او زور آور شوید.** این صرفاً یک پیشنهاد کم‌اهمیت نیست، بلکه پولس به کلیسای مسیح فرمان می‌دهد که خود را با قوت خدا مجهز کند. چگونه می‌توان قوت و نیرو گرفت؟ با پوشیدن **اسلحه تمام خدا** (آیه ۱۱).

۱۱ هیچ لزومی ندارد که دچار عقده خودکم‌بینی بشویم و خود را ضعیف انگاریم. البته که ما ضعیف هستیم! ولی دقیقاً به همین خاطر است که خدا به ما اسلحه روحانی مؤثری داده است تا اینکه برای مبارزه با شیطان و گناه نیرومند باشیم. لذا، پولس می‌گوید: **اسلحه تمام خدا را بپوشید.**

این اسلحه و لباس رزمی که خدا به ما داده

(آیه ۱۴)، نعلین (آیه ۱۵)، سپر (آیه ۱۶)، خود و شمشیر (آیه ۱۷). در زمان پولس رسول، اسلحه و ساز و برگ نظامی یک جنگاور همین شش چیز بود. پولس رسول در زمان نگارش این رساله در زندان بود و احتمالاً سربازی که زندانبان سلول او بوده است همین اسلحه را به تن داشته است. و شاید، پولس با مشاهده لباس سربازان در محوطه زندان، از این تمثیل استفاده می‌کند.

اینک هر یک از این اجزاء را بررسی می‌کنیم. قبل از هر چیز، پولس به **کمربند راستی** اشاره می‌کند. ابلیس دروغگو و پدر دروغگویان است (یوحنا ۸:۴۴) و تنها راستی و حقیقت است که می‌تواند دروغهای او را نابود سازد. «راستی» می‌تواند به معنای قابل اعتماد بودن نیز باشد. ما در مبارزه خود با نیروهای شریر، باید بتوانیم که به یکدیگر اعتماد نماییم.

دومین بخش از اسلحه تام خدا، **جوشن عدالت** (اشعیاء ۵۹:۱۷) می‌باشد. خدا ما ایمانداران به مسیح را عادل خوانده است، ما **عدالت** مسیح را در بر کرده‌ایم. ما عادل کرده شده‌ایم زیرا که مسیح با مرگ خود بر روی صلیب، بهای گناهان ما را پرداخت نموده است و با ایمان به او بخشایش گناهان و عدالت را دریافت خواهیم نمود (مرقس ۱۰:۴۵) و تفسیر آن را مشاهده کنید). به تن کردن جوشن عدالت ضروری است، زیرا که بدون عدالت، قادر نخواهیم بود که در نزد خدا بایستیم و خود را فرزند او بدانیم. ما باید جوشن عدالت را در بر کنیم؛ زیرا در غیر آن صورت، شیطان به ما تهمت خواهد زد و ما را گناهکار خواهد خواند. او به ما خواهد گفت که «تو عادل نیستی و هنوز گناهکاری و هرگز در عدالت مسیح سهمی نداشته‌ای». ابلیس مرتب به برادران تهمت می‌زند و در کتاب مکاشفه با لقب **مدعی برادران** معرفی گردیده است (مکاشفه ۱۲:۱۰). شیطان در ذهن ما تخم شک کاشته ما را نسبت

ابلیس مانند شیر غزان گردش می‌کند و کسی را می‌طلبد تا ببلعد (اول پطرس ۵:۸). این گفته حقیقت دارد، ولی در اغلب مواقع، ابلیس بی‌سر و صدا و به طور موذیان‌ای عمل می‌کند. او زمانی که انتظارش را نداریم، به طور مخفیانه و مانند دزدی وارد صحنه می‌شود. او خود را به لباسهای مختلف در می‌آورد (دوم قرنتیان ۱۱:۱۴). او مانند گرگی در لباس میشها ظاهر می‌شود و گوسفندان فکر می‌کنند که او همانند خودشان است و او را به میان خود راه می‌دهند، ولی علی‌رغم ظاهرش، در باطن گرگی درنده می‌باشد (متی ۷:۱۵) و تفسیر آن را مشاهده کنید).

چگونه می‌توانیم با دشمنی به این زرنگی و مکاری بچنگیم؟

۱۳ ما می‌توانیم به کمک نیروی خدا، با شیطان بچنگیم، زیرا که خدا به مراتب بزرگتر و قوی‌تر از شیطان است (اول یوحنا ۴:۴) و تفسیر آن را مشاهده کنید). با پوشیدن اسلحه خدا و اطاعت از خدا و ایستادگی در مقابل شیطان، او از مقابل ما خواهد گریخت (یعقوب ۴:۷) و تفسیر آن را مشاهده کنید). پولس رسول در این آیه، حکم آیه ۱۱ را تکرار کرده می‌گوید **اسلحه تام خدا را بردارید**. ما باید تمامی اسلحه خدا را برداریم، زیرا که اگر قسمتی از ساز و برگ جنگی ما ناقص باشد، شیطان از همانجا وارد خواهد شد و به ما ضربه خواهد زد.

پولس رسول با اطمینان به ما وعده داده می‌گوید: که با کمک اسلحه تام خدا، قادر خواهید بود که **در روز شریر مقاومت کنید و همه کار را به جا آورده بایستید**. روز شریر، زمان وسوسه شدن و هنگام خطر و جفا و سختی کشیدن برای مسیح است. در آن هنگام است که شیطان با تمام قدرت خود به ما مسیحیان حمله می‌کند.

۱۴ در آیات ۱۴-۱۷، پولس به شش بخش از اسلحه تام خدا اشاره می‌کند. کمربند و جوشن

به نجاتمان در شک و تردید خواهد انداخت. این یکی از شگردهای موفق ابلیس است که ایمان ما را به توسط انواع شکها متزلزل کند. او سعی می‌کند که ما را در مورد ارتباطمان با خدا دچار تردید سازد. او سعی می‌کند در ذهن ما نسبت به موقعیتمان در قلب خدا و حقیقت فرزند خواندگیمان شک ایجاد نماید. او به ما می‌گوید: «تو گناهکار بی‌ارزشی بیشتر نیستی!»، «تو عادل نشده‌ای!»؛ «خدا از تو طرفداری نخواهد کرد و به کمک تو نخواهد آمد». به دروغهای شیطان گوش ندهید. در عوض، **جوشن عدالت را در بر کرده بایستید.** بیاید به ایمان خود به عیسی مسیح محکم بچسبیم زیرا عیسی مسیح ما را عادل خوانده است و ما را در نظر خدای پدر عادل کرده است.

۱۵ سومین قسمت از اسلحه تمام خدا، کفش و پای‌افزار مناسب است. کفش ما باید **نعلین استعداد انجیل سلامتی** باشد. یعنی اینکه ما بایستی همواره آماده بردن پیام نجات‌بخش و صلح‌آمیز (سلامتی‌بخش) انجیل عیسی مسیح باشیم. شاید یک ماهیگیر و یا کشاورز بتواند بی‌کفش کار کند، ولی یک سرباز باید پای‌افزار مناسب به پا داشته باشد. چرا؟ چون که کفش مناسب، به ما قدرت تحرک و استقامت می‌دهد. کفش مناسب نخواهد گذاشت که پایمان بلغزد و یا خار جاده به پایمان نشسته ما را از تحرک باز دارد. و کفشی که ما را در مبارزه روحانی مدد خواهد کرد، نعلین استعداد و آمادگی برای انجیل مسیح است. پولس در اینجا انجیل عیسی مسیح را **انجیل سلامتی** می‌نامد. چون که به وسیله انجیل عیسی مسیح است که میان خدا و انسان، صلح و سلامتی برقرار گردیده است (رومیان ۱:۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۶ چهارمین قسمت از اسلحه خدا، **سپر ایمان است.** این سپر ایمان، همان ایمان و اعتماد و تکیه ما بر قدرت خدا است. زمانی که

سپر ایمان را برداشته باشیم، می‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم که خدای مهربان با قدرت بی‌نهایت عظیم خود در کنار ما قرار خواهد داشت. در زمان پولس، طول سپر سربازان یک متر و نیم و عرض آن هشتاد سانتیمتر بود. سربازان در پناه آن سپر بزرگ، سر و سینه خود را در برابر تیرهای دشمن محافظت می‌نمودند. به همین ترتیب، ما نیز با کمک سپر ایمان قادر خواهیم بود که خود را در مقابل **تمامی تیرهای آتشین شریو** مصون نگاه داریم. تیرهای آتشین شیطان، عبارت از احساس یأس و نومیدی، دلسردی، ترس، شک، و سرگردانی و افکار منفی از این قبیل می‌باشند. و زمانی که سپر ایمان را بر روی سر خود داریم، این تیرهای آتشین بر ما بی‌اثر خواهد بود.

۱۷ پنجمین بخش از اسلحه روحانی ما، **خود نجات** است (اشعیا ۵۹:۱۷). کلاهخود فولادی یک سرباز او را در مقابل ضربه کُشنده دشمن حفظ می‌کند. به همین شکل نیز، خود نجات، ما را در مقابل ضربات مهلک شیطان حفظ می‌نماید تا اینکه در برابر آن ضربات تاب آورده، به دست ابلیس هلاک نشویم. خود نجات، وعده حیات جاویدان و اطمینان از نجات یافتگی خود می‌باشد. زمانی که کلاه خود نجات را بر سر داشته باشیم، شیطان نخواهد توانست نعمت حیات جاویدانی را از ما دور نماید.

ششمین بخش از اسلحه روحانی ما، **شمشیر روح** است. توجه کنید که پنج قسمت اول، همگی جنبه تدافعی داشتند ولی ششمین پارچه سلاح روحانی ما، آلت قتاله و اسلحه تهاجمی می‌باشد. این اسلحه ما به جهت حمله به شیطان است. بدون شمشیر روح، قادر به متلاشی کردن و شکست دادن ابلیس نخواهیم بود. شمشیر روح چیست؟ پولس می‌گوید که شمشیر روح **کلام خداست.**

به خاطر داشته باشیم که خدا به وسیله کلام

۱۹-۲۰ حتی بزرگترین رهبران و شبانان مسیحی نیز به دعای ما نیازمند می‌باشند. به خاطر دعاهای مقدسین بود که پولس توانایی انجام کارهای بزرگ را پیدا کرده بود.

در آیه ۲۰، پولس خود را **ایلیچی** یا سفیر انجیل می‌نامد (دوم قرنیتان ۵: ۲۰). ولی هر چند که او سفیر، پادشاه پادشاهان است، در زندان و بند و زنجیر روم اسیر می‌باشد!

۲۱-۲۲ **تیخیکس** یکی از همکاران پولس رسول بود که در حین مدت حبس پولس در روم، با او همراهی می‌کرد. تیخیکس، علاوه بر اینکه این رساله را به افسسیان رسانید، نامه پولس رسول به کولسیان را نیز به کلیسای کولسی رسانده بود (کولسیان ۴: ۷-۸).

۲۳-۲۴ پولس نامه خود را با آرزوی **فیض و سلامتی** برای افسسیان شروع نموده بود (افسیان ۱: ۲). اینک پولس رسول نامه خود را با همان آرزوهای قلبی **فیض** (آیه ۲۳) و **سلامتی** (آیه ۲۴) خاتمه می‌دهد. با این کلمات، پولس رسول، یک بار دیگر مضمون اصلی نامه را که همانا صلح و سلامتی با خدا در سایه فیض او باشد، یادآوری می‌کند (افسیان ۱: ۲) و تفسیر آن را مشاهده کنید). هر چند که ما در میان میدان جنگ و مبارزه با نیروهای شیطانی هستیم، ولی با خدا؛ در کلیسا، و در قلب خودمان سلامتی و آرامش روحانی را تجربه می‌کنیم.

با همه کسانی که به مسیح عیسی خداوند محبت در بی‌فساد دارند، فیض باد. آمین. آن کسانی که خداوند ما عیسی مسیح را محبت نمی‌کنند، فیض و رحمت خدا را تجربه نکرده‌اند. زیرا همه آنانی که فیض خدا را تجربه کرده‌اند، پسر یگانه او عیسی مسیح را محبت می‌نمایند. زیرا که به وسیله عیسی مسیح است که ما قادر خواهیم بود که فیض خدا را تجربه کنیم. پس بیایید عیسی مسیح را با محبتی که **بی‌فساد** است دوست بداریم و برای جلال و فیض او زیست نماییم.

خود آسمان و زمین را آفرید. او با کلام خود همه ریاستها و قدرتها را آفریده است و با کلام خود همه آن قدرتها و ریاستهایی را که به ضد او قیام کرده‌اند (آیه ۱۲) نابود خواهد کرد. کلام خدا، بسیار نیرومند است و برتر از هر چیز در روی آسمان و زمین می‌باشد. و زمانی که ما شمشیر روح یعنی کلام خدا را در دست خود بگیریم، آن قدرت عظیم کلام خدا با ما خواهد بود.

شمشیر روح، اسلحه روحانی روح‌القدس می‌باشد. با کمک روح‌القدس، کلام خدا را درک خواهیم کرد و به کمک او، راستی را خواهیم شناخت (یوحنا ۱۴: ۲۶). خدا می‌خواهد که ما به کمک کلام مقدسش بر شرارت و گناه غلبه پیدا نماییم و با کمک شمشیر کلامش شیطان را شکست دهیم. بهترین نمونه استفاده از شمشیر روح در مبارزه روحانی را در مبارزه عیسی مسیح با ابلیس در هنگام وسوسه‌های او می‌بینیم (متی ۴: ۱-۱۱ را مشاهده کنید).

۱۸ ما باید اسلحه تام خداوند را **با دعا و التماس** به تن کنیم. بعضی از مفسرین، دعا را به عنوان هفتمین اسلحه روحانی ایماندار محسوب نموده‌اند. بدون دعا، اسلحه روحانی ما بی‌ثمر خواهد بود. ما نه تنها باید برای خود دعا کنیم بلکه به جهت تمامی خواهران و برادران ایماندار خود و برای پیروزی ایشان در میدان مبارزه روحانی. اگر دعا نکنیم، آنها در خطرات و مبارزه روحانی خود به پیروزی نخواهند رسید. پولس می‌گوید: **با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام به جهت همه مقدسین بیدار باشید.**

پولس می‌گوید **در روح دعا کنید**، یعنی اینکه با هدایت و کمک روح‌القدس دعا کنید. زیرا که روح‌القدس، طرز دعا را به ما یاد خواهد داد و برای ما شفاعت خواهد کرد (رومیان ۸: ۲۶).

